

جهان رژیم خمینی را به خاطر قتل فدائیان دربند محکوم می کند

کمسیون "آنتی اوتان" (ضد ناتو) در اسپانیا تلگرام هایی به نخست وزیر رژیم خمینی و سفیر ایران در مادرید ارسال گردید.
در این تلگرام ها برخواست آزادی فدائیان و توده ای ها و لغو احکام اعدام تاکید شده است.
* روزنامه "راه جدید" ارکان حزب کمونیست (اسپانیا) در اوایل آبان ماه طی مقاله ای زیر عنوان "فشار و سرکوب در آفریقای جنوبی و ایران افزایش می یابد" به اعدام هایی که در ایران و آفریقای جنوبی رخ می دهند پرداخت.
بقیه در صفحه ۲

اسپانیا
* مارسلینو کاماجو، دبیر کل سندیکاهای کارگری اسپانیا، رافائل آلبرتی، شاعر بزرگ اسپانیا، خسوس ویسنته چامورو، دادستان کشور و رئیس کمیته دفاع از زندانیان سیاسی در ایران، میکئل آنخل لوبوس نقاش انقلابی السالوادور و خوزه میکئل گنزالس یکی از حقوقدانان برجسته اسپانیا، با امضای کارت پستی که تصویر رفیق انوشیروان لدلفی بر آن نقش بسته است، خواهان آزادی وی و سایر فدائیان در بند شدند.
* در اعتراض به اعدام فدائیان، از سوی

اگریت

نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۲۵ آذر ۱۳۶۴ برابر ۱۶ دسامبر ۱۹۸۵

شماره ۸۷ - سال دوم - سال ۶۰ ریل - سال دوم

رژیم، فساد فراگیری خواهد

جمهوری اسلامی سرتاپا و در تمامی عرصه ها فساد و عفونت بار است. کفتار، پندار و کردار سرکردگان این رژیم اهریمنی، پلشت و آلوده است. آنان خفاشان کوری هستند که از نور، طراوت و زیبایی و از فرهیختگی بیزارند. کرم لجنزار هستند که همه جا را لجنزار می خوانند. آنان همه دستاوردهای تاریخ بشری و شرف انسانی را به سخره گرفته اند. ببینید با میهن ما، در میهن ما چه کرده اند. ببینید چه می گویند و چه می خواهند. گوشه ای از جوهر چرکین اندیشه های نکبت بار اراذل حاکم رافسنجانی، رئیس مجلس خمینی چندی پیش آشکار ساخت، وقتی که گستاخانه و آشکارا از "ازدواج موقت" و طرح برپایی روسپی خانه ها سخن گفت. وی در ۱۹ مهرماه با اعلام این که "ازدواج کردن امروز ... به صورت مشکل درآمده" خواهان گسترش و قانونی شناختن فحشا گردید. او این کار را با "شرع" خود سازگار دانست. می بینید این حیولا چه می خواهند؟ بقیه در صفحه ۱۴

چهل سال پس از سرکوب جنبش ملی - دمکراتیک آذربایجان

از چه رو ارتجاع هنوز هم از خشم بخود می پیچد؟

طلب بودند. حقیقت این بود که آنان راهی جدا از راه ارتجاع، راه رهائی و پیشرفت اجتماعی را برگزیده بودند. برای حکومت فرتوت و عفونت بار فئودالها، تمردی از این نابخودنی تر وجود نداشت. از همین رو بود که آن قتل عام مخوف را براه انداختند، کشتند و کشتند و کشتند.
تلخ است که محاشات گرانی در جنبش وجود دارند که مربعی تبلیغات متمرکز دستجات ضد انقلابی شده اند و جرات یادآوری از به خون شهیدگان سال سیاه ۲۵ را ندارند. تاجدار که به آنان نیز تهمت جدائی طلب، وابسته، غیر مستقل و ... زده شود. اما جنبش کمونیستی سازمان ما آن مبارزاتی را که مردم کرده اند گرامی می دارد و به آن فخر می کند.
به آنچه که در آذربایجان، در آن سالها زحمتکشان کردند، نگاهی بیفکنیم و ببینیم که خشم و عذاب دشمنان مردم از چیست؟ بخشهایی از گزارش سید جعفر پیشه روی به دومین بقیه در صفحه ۱۰

قریب چهل سال از جنبش ملی - دمکراتیک آذربایجان می گذرد؛ این جنبش را به خون کشیدند و هزاران زحمتکش آذربایجانی را قتل عام نمودند و هنوز هم ارتجاع ایران از یادآوری آنچه که مردم در آذربایجان کردند، خشمگین است و کف بردهان می آورد و هرزه گوئی می کند. نگاهی بر سرمقاله ارکان شاهپرستان - کیهان لندن - به خاطره پردازی رئیس رکن دوم آن دوران سرلشکر اخوی، به سخن پرکنی این یا آن سرکرده بورژوا پیاندازید که چه می گویند. هنوز هم پس از چهل سال اعصابشان آرام نگرفته است. غلیچنابان باپال و کویال، که اینک بی بال و کویال و آواره شده اند، همراه با ممتلایان در رژیم خمینی هنوز هم نتوانسته اند گستاخی "زحمتکش آذربایجانی را در گزینش راه رهائی و طرد زانو سفطان فراموش کنند و هیچگاه هم فراموش نخواهند کرد. پدر تاجدار به گور سپرده شان هیچ لحظه ای را در هتاک به آن جنبش از دست نداد. او گفت و پیروانش وعده مرتجعین هنوز هم روزه می کشند که آنان جدائی

استقبال مطبوعات غرب از انتصاب منتظری

خبر انتصاب منتظری به ولایت عهدی از سوی خمینی، در مطبوعات غرب وسیعاً بازتاب یافت. مطبوعات و رادیو تلویزیون کشورهای امپریالیستی ضمن مخابره خبر، تفسیرهایی نیز پیرامون آن منتشر کردند. وجه غالب همه این تفسیرها استقبال از این تصمیم مجلس خبرگان بود. مثلاً "وال استریت جورنال" ارکان انحصارات آمریکا منتظری را فردی "میان رو" خوانده و می نویسد: "بازرگانان ایران او را حامی بخش خصوصی و معتقد به حرمت مالکیت می پندارند".
"اشپیکل" چاپ آلمان فدرال، ضمن اینکه دفاع منتظری از بخش خصوصی را منعکس کرده، پارا از این هم فراتر گذاشته و در مقاله ای تحت عنوان "به نحو تعجب آوری لیبرال" منتظری را "دوست داشتنی" می خواند! اشپیکل در زیر عکس بقیه در صفحه ۱۳

مصاحبه اکثریت با رفیق ایگناسیو گایگو، دبیر کل حزب کمونیست (اسپانیا)

"در این مبارزه مادر کنار شما هستیم"



اسپانیا در تب و تاب مبارزه ای حاد است. دولت "حزب سوسیالیست" در صدد است این کشور را به عضو جدید پیمان تجاوزکار ناتو تبدیل کند، اما مردم اسپانیا، مقاومت فزاینده ای علیه این تصمیم نشان می دهند. راه پیمایی های میلیونی اخیر در سراسر این کشور، نشانگر آن بود که سیاست تبدیل اسپانیا به عضو کامل ناتو، به آسانی پیش نخواهد رفت. در مبارزات علیه ناتو، حزب کمونیست (اسپانیا) نقش بسیار برجسته ای دارد. کمونیستهای اسپانیا که حول پرچم مارکسیسم - لنینیسم و بقیه در صفحه ۴

تبریکات

آغاز سال نو میلادی، روز جشن میلیونها انسان در چهار گوشه جهان، فرا می رسد. مردم بانکوبان به پیشواز سال نو می روند بنا بر این آرزو که سال جدید سال صلح و سعادت باشد.
با امید به تحقق این آرزوی شریف، سال نو را بویژه به همه میهنان مسیحی شادباش گفته و برایشان بهروزی و شادکامی آرزو می کنیم.

فدائیان و جنبش کارگری

در صفحه ۱۴

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

جهان رژیم خمینی را به خاطر قتل فدائیان در بند محکوم می‌کند

بقیه از صفحه ۱

این روزنامه اعدام رهبران اسیر سازمان و سایر نیروهای مترقی کشور را جلوه‌ای از چهره ارتجاعی و دمدنش رژیم خمینی نامیده است.

* روزنامه پرتیراژ "ال پائیس" در تاریخ ۲۲ نوامبر (۱ آذر) خبر اعدام رفقا محمدرضا غبرایی و جهانگیر بهتاجی را به چاپ رسانده و به موج اعدام‌های اخیر در ایران که رژیم خمینی از اعلام آن می‌هراسد اشاره کرده است.

بریتانیا

* جرمی کوربین، چون مایارد، برابان گلد و جورجیاردسون نمایندگان پارلمان بریتانیا و کارول تانک نماینده پارلمان اروپا، روسای اتحادیه معدنچیان در کنت و اسکاتلند، چندتن از نمایندگان اتحادیه‌های روزنامه‌نگاران منجمله سردبیر اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران و دو تن از پزشکان برجسته بریتانیا و همچنین نمایندگان جبهه "فارابوندومارتی" و نماینده کنفرانس ملی آفریقا در این کشور با امضای طوماری در محکوم نمودن اعدام فدائیان غرقه به خون محمدرضا غبرایی، رضی‌الدین تابان، جهانگیر بهتاجی و... نفرت عمیق خود را از رژیم تبهکار خمینی اعلام نمودند.

* دبیر کل اجلاس ملی زنان بریتانیا در نامه‌ای خطاب به کاردار سفارت ایران در بریتانیا چنین نوشت: "از طرف اجلاس ملی زنان انزجارمان را از اعدام‌های اخیر زندانیان سیاسی در ایران اعلام می‌داریم. از شما مصرانه می‌خواهیم از اعدام انوشیروان لطفی جلوگیری کنید و به اعدام زندانیان سیاسی خاتمه دهید.

ما با این زندانیان، همسر و فرزندان آنها... عمیقاً احساس همبستگی و همدردی می‌کنیم."

* در پنجم آبان ماه سال جاری، ۲۲ تن از اعضا و فعالین سازمان عقوبین المللی طی اجلاسی در شهر منچستر، با امضای طوماری حکومت جمهوری اسلامی را بخاطر اعدام رهبران اسیر سازمان و دیگر رزمندگان جنبش انقلابی ایران محکوم کردند.

* اعضای عقوبین المللی گروه هارلو و استف‌های استورت فورد طی

نامه‌ای به سفارت جمهوری اسلامی اعدام‌های اخیر را تقبیح نمودند. آن‌ها همچنین خواهان طرح این مساله در پارلمان بریتانیا شده‌اند.

* شرکت کنندگان در "اجلاس مجمع اتحادیه‌های کارگران مهندسی" ناحیه اسکس جنوبی که در تاریخ هفتم آذر برگزار گردید، طوماری را در اعلام انزجار از جمهوری اسلامی امضا کردند. در این طومار اعدام فدائیان قهرمان غبرایی، تابان و بهتاجی محکوم گردیده است.

* از سوی شعبه‌های حزب کمونیست بریتانیا در لندن، لیستون، شورت فیلد و میدنورتامپلند، در اعتراض به اعدام فدائیان قهرمان رفقا غبرایی، تابان، بهتاجی و... نامه‌های شدیدالحنی به سفارت ایران در لندن ارسال گردید.

در نامه دبیر منطقه لندن حزب کمونیست که تاریخ ۲۸ آبان نوشته شده، آمده است: "اعدام اخیر اعضای رهبری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) جنایتی علیه بشریت است. ما این اعدام‌ها را قاطعانه محکوم می‌کنیم و خواهان پایان دادن به اعدام‌ها هستیم."

* اتحادیه سراسری کارگران آتش نشانی، اتحادیه کارکنان شهرداری ناحیه کمدن، اتحادیه کارمندان دولتی و شهرداری مناطق سیتی و هکنی، شورای اتحادیه‌های منطقه مالدون و نمایندگان کارگران کارخانه رولزریس در کاونتری، در نامه‌هایی که خطاب به کاردار سفارت ایران در بریتانیا نوشتند: "انزجار خود را از اعدام اعضای رهبری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) محمدرضا غبرایی و رضی‌الدین تابان" اعلام نمودند.

در این نامه‌ها همچنین درخواست آزادی انوشیروان لطفی عضو مشاور هیئت سیاسی کمیته مرکزی سازمان تاکید شده است.

* سازمان سرتاسری دانشجویان کارگر (حزب کارگر)، اتحادیه سرتاسری دانشجویان - منطقه بیرمنگهام در نامه‌هایی که به سفارت ایران در بریتانیا ارسال کردند، ادامه سیاست اختناق و شکنجه در ایران را محکوم نمودند.

دانشجویان ضمن تقبیح اعدام فدائیان اسیر و دیگر مبارزین راه نیک بختی مردم، خواهان پایان دادن به این جنایات و آزادی زندانیان سیاسی کشورمان گردیدند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) و حزب توده ایران - دوگردان کمونیستی ایران - اعدام شده و یازیر شکنجه کشته شده‌اند. این نشریه با اشاره به شکنجه‌های وحشیانه رایج در اوین و سایر زندان‌های میهن ما، خواهان آزادی رفیق لطفی شده است.

هندوستان

* شرکت کنندگان در کنفرانس سراسری ملی "کنگره متحد اتحادیه‌های کارگری (راه لنین)" در دهلی نوطی درخواستنامه‌ای پشتیبانی و همبستگی خود را با مبارزه قهرمانانه خلقهای ایران بویژه طبقه کارگر علیه رژیم قرون وسطایی خمینی اعلام داشتند و خواهان پایان دادن به جنگ ایران و عراق، قطع تمامی اشکال سرکوب و اختناق و نیز آزادی زندانیان سیاسی کشورمان شدند.

همچنین شرکت کنندگان نگرانی عمیق خود را نسبت به سرنشت

رهبران احزاب کمونیست در همبستگی با فدائیان خلق رژیم جنایت پیشه خمینی را تقبیح می‌کنند

نامه اعتراضی دبیر کل حزب کمونیست آفریقای جنوبی به کاردار سفارت جمهوری اسلامی در لندن

کمیته مرکزی حزب کمونیست آفریقای جنوبی انزجار و تنفر خود را از اعدام اخیر اعضای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) به ویژه محمدرضا غبرایی عضو مشاور هیئت سیاسی، رضی‌الدین تابان عضو مشاور کمیته مرکزی و جهانگیر بهتاجی مسئول انتشارات به شما اعلام می‌دارد. ما مطلع هستیم که تعداد دیگری از اعضای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) و همچنین تعدادی از اعضای حزب توده ایران در بین گروهی بودند که اخیراً توسط رژیم ایران اعدام شده‌اند.

ما این اعدام‌ها را به ویژه با توجه به سابقه درخشان و بی‌نظیر قربانیان آن در مبارزه برای صلح و ترقی اجتماعی، سزاوار سرزنش و نکوهش می‌بینیم. این شهدا در پیشاپیش مقاومت علیه رژیم مغفور شاه و مبارزه برای آزادی ایران از چنگال امپریالیسم بوده‌اند. ما مطلع هستیم که تعدادی دیگر از رهبران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) و حزب توده ایران اکنون تحت حکم اعدام بصری برند و ماصدای خود را به درخواست بین‌المللی برای قطع این اعدام‌ها و آزادی تمامی زندانیان سیاسی می‌افزاییم.

موسی مابهیدا

دبیر کل حزب کمونیست آفریقای جنوبی

بیانیه شورای ملی حزب کمونیست هندوستان

در بیانیه‌ای که از سوی ان. ک. کریشنان، دبیر شورای ملی حزب کمونیست هند به روزنامه‌های این کشور ارسال گردیده آمده است:

"حزب کمونیست هند موج اعدام‌های اجرا شده توسط رژیم ایران علیه رهبران و اعضای حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) را شدیداً محکوم می‌نماید. طبق گزارشات رسیده، رفیق غبرایی، عضو مشاور هیئت سیاسی و رفیق بهتاجی، مسئول انتشارات سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) اخیراً توسط

باهمه امکانات به پیشواز پانزدهمین سالگرد سازمان برویم

فدائیان خلق در خارج از کشور که تا به امروز رزم شورانگیزی را در انجام وظایف انقلابی خویش به پیش برده‌اند، فرارسیدن ۱۹ بهمن سالروز بنیانگذاری سازمان را با بلدیرش و انجام وظایف سنگین‌تری همراه خواهند کرد.

ما همه اعضا و هواداران سازمان را فرا می‌خوانیم که همه امکانات و تمامی توان خود را بکار گیرند تا با اجرای رهنمودهای زیر به دستاوردهای بازم برزگتری نائل آئیم.

۱ - پیام‌ها، اعلامیه‌ها، تراکتها و شعارهای سازمان را به گسترده‌ترین شکل ممکن در میان ایرانیان بخش کنیم. در افزایش تیراژ و آویزان نشریات سازمانی بکوشیم.

۲ - تبلیغات شفاهی را گسترش دهیم. در محیطهای تحصیل، کار و زندگی ایرانیان و مجامع و محافل آنان، اهداف، مواضع سیاسی و شعارهای سازمان را تشریح کنیم.

۳ - مبارزات دلارانه، مردم ایران علیه رژیم خمینی را بگوش جهانیان برسانیم. با تمام ابتکارات و خلاقیتها نبرد قهرمانانه فدائیان خلق در داخل کشور را بازتاب دهیم.

۴ - در راه ایجاد فضای تفاهم و اتحاد عمل با سازمانهای ترقیخواه ایرانی تلاش کنیم.

۵ - با استفاده از هر امکان علیه جنگ ویرانگر ایران و عراق و برای صلح مبارزه کنیم.

۶ - سیاستهای اورتجاعی رژیم خمینی علیه زنان میهنان را به گسترده‌ترین شکل افشا کنیم.

۷ - جنایات رژیم خمینی در قبال زندانیان سیاسی را بیش از پیش افشا کنیم.

۸ - برای کمک به رهایی خلقهای ایران، همه ابتکارات را برای جمع‌آوری کمک‌های مالی بکار گیریم.

۹ - نمایانگر اکثریت فدائیان بروی و برولتری سازمان در میان اعضا و برادر و کمونیستهای جهان باشیم.

۱۰ - در راه صلح جهانی، علیه جنگ افریزی‌های امپریالیسم و علیه نظامی کردن فضای کیهان، همگامی و هم‌رزمی با نیروهای صلح دوست را تعمیق بخشیم.

۱۱ - همیاری و همکاری بین‌المللی با نیروهای مترقی جهان را تقویت نمائیم.

تعداد زیادی از انقلابیون، کمونیست‌ها و فعالین جنبش کارگری توسط رژیم شما بازداشت، زندانی و شکنجه و اعدام شده‌اند. یک نمونه از این اعمال، اعدام انقلابیون در اواسط سپتامبر بوده است. که در میان آن‌ها محمدرضا غیریابی عضو مشاور هیئت سیاسی کمیته مرکزی، رضی‌الدین تابان عضو مشاور کمیته مرکزی یکی از رهبران جنبش دانشجویی و جهانگیر بهتاجی مسئول انتشارات سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) وجود داشت.

در بخش پایانی این نامه آمده است: "ما این اعدام‌ها را قویا محکوم می‌کنیم و خواهان پایان دادن به شکنجه و اعدام در زندان‌های ایران هستیم، ما خواهان آزادی تمام زندانیان سیاسی ایران هستیم."

برخی از امضاکنندگان این نامه عبارتند از: دانشجویان کمونیست اتریش، کلوب (کانون) ضد امپریالیستی اتریش، اتحادیه دانشجویان و جوانان کرد اتریش.

نامه به

کنفرانس جوانان کشورهای غیرمتعدد

از سوی نه سازمان دانشجویی و جوانان در هندوستان درخواستنامه‌ای به کنفرانس جوانان کشورهای غیرمتعدد در دهلی نوا رسال گردید.

در این درخواستنامه پس از اشاره به فقر، ویرانی و فلاکت ناشی از فاجعه جنگ و رنجی که جوانان ایران می‌کشند، بر خواستهای زیر تاکید گردیده است:

۱ - تلاشهای خود را به منظور پایان بخشیدن به جنگ ضد بشری، خائن‌سوز و جنایتکارانه ایران و عراق شدت بخشید.

۲ - رژیم اسلامی ایران را بخاطر سرکوب نیروهای میهن پرست و شکنجه و اعدام غیر قانونی زندانیان سیاسی کشور تحت فشار قرار دهید.

در میان نه سازمان دانشجویی و جوانان در هندوستان که متن درخواستنامه را امضا کرده‌اند می‌توان از فداسیون سراسری دانشجویان هند، جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین و جبهه خلق برای آزادی فلسطین نام برد. این درخواست نامه توسط سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت) - هند و سازمان حزب توده ایران - هند نیز امضا شده است.

مطلبی تحت عنوان "اعدام‌ها در ایران ادامه دارد"، به موج اخیر اعدام‌ها در ایران اشاره نموده، از شهیدای سازمان به عنوان انقلابیون فداکاری که برای آزادی مردم از یوغ رژیم درنده‌خوی خمینی قهرمانانه مبارزه کردند، یاد کرده است.

* در شماره دهم نوامبر (۱۹ آبان) روزنامه پاتریوت و نیز در شماره‌های ۲۴ و ۲۹ نوامبر (۲ و ۸ آذر) روزنامه "پرتاپ" چاپ دهلی، خبر اعدام رفیق غیریابی و دیگر فدائیان اسیر را به چاپ رسانده‌اند.

روزنامه پرتاپ ضمن درج عکس رفیق غیریابی یاد وی را کرامی داشته است.

اتریش

* دوازده تشکیلات سیاسی ضد امپریالیستی و ترقی‌خواه در اتریش ملی نامه‌ای به سفیر جمهوری اسلامی در اتریش نوشته است: "وضعیت زندان‌های ایران نگرانی آور است.

زندانیان فدایی و توده‌ای اعلام کردند.

* کمیته دفاع از زندانیان سیاسی در ایران - یونانی بیانیته‌ای که در اواخر آبان‌ماه انتشار یافت، شکنجه و اعدام فدائیان، توده‌ای‌ها و سایر انقلابیون ایران را محکوم نمود و نوشت "تنها جرم این دمکرات‌ها که به مرگ و یا زندان محکوم شده‌اند دفاع پیگیر از آزادی، دمکراسی، عدالت اجتماعی و صلح در ایران می‌باشد.

* کنفرانس فداسیون سراسری دانشجویان سراسر هند، واحد دانشگاه چواهر لعل نهرو با صدور قطعنامه‌ای پایمال ساختن حقوق دمکراتیک مردم ایران و بازداشت و اعدام فدائیان و توده‌ای‌ها را محکوم نمود و حمایت دانشجویان را از رزم پیگیرانه فدائیان و توده‌ای‌ها اعلام داشت.

* نشریه عصر جدید ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست هند در شماره ۲۴ نوامبر (۲ آذر) خود با چاپ

رژیم اسلامی ایران اعدام گشته‌اند.

در این بیانیته پس از ابراز نگرانی نسبت به جان رفیق انوشیروان لطفی آمده است: "اعمال شکنجه بر زندانیان سیاسی توسط رژیم ایران در زندان‌ها و زیر پانهادن جنایتکارانه حقوق بشر به یک سیاست رسمی تبدیل شده است. حزب کمونیست هند از افکار عمومی دمکراتیک هند درخواست می‌کند که صدای خود را علیه سیاست فشار و خفقان غیر انسانی اعمال شده توسط رژیم کنونی ایران راسر سازند و آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی در ایران را مطالبه نمایند."

دبیر کل حزب کمونیست اسپانیا در دفاع از زندانیان سیاسی ایران

خرالد وایگلسیاس، دبیر کل حزب کمونیست اسپانیا با ارسال کارت پستالی مزین به تصویر رفیق لطفی و ارسال آن برای رهبران رژیم، به دفاع از فدائیان اسیر و دیگر زندانیان سیاسی ایران برخاسته و خواهان آزادی فدایی دلور رفیق لطفی شده است.

همچنین فیدل الورتو دبیر روابط بین‌الملل حزب کمونیست (اسپانیا)، امیلیو رنیکون عضو کمیته اجرایی کمیته مرکزی حزب کمونیست (اسپانیا)، و اسپراترا فرناندز عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست (اسپانیا) با امضای کارت‌های مشابه همبستگی مبارزاتی خویش را با فدائیان در بند اعلام نموده‌اند.

اعتراض دبیر کل حزب کمونیست بریتانیا به اعدام فدائیان

دبیر کل حزب کمونیست بریتانیا در روز ۲۶ آبان با امضای طوماری جنایات رژیم خمینی را محکوم نمود.

در این طومار آمده است: ما امضاکنندگان این طومار حکومت جمهوری اسلامی را بخاطر اعدام رهبران و اعضای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از جمله رفقا محمدرضا غیریابی عضو مشاور هیئت سیاسی، رضی‌الدین تابان عضو مشاور کمیته مرکزی و جهانگیر بهتاجی مسئول انتشارات سازمان را محکوم می‌کنیم. ما خواهان لغو حکم اعدام انوشیروان لطفی و دیگر زندانیان سیاسی و نیز پایان دادن به دستگیری، شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی ایران هستیم.

همراه با دبیر کل حزب کمونیست بریتانیا ۵۹ تن از شخصیت‌های مترقی بریتانیایی نیز طومار فوق را امضا کردند.

نرخ خدمات و کالاهای دولتی باز هم افزایش خواهد یافت

محسن نوربخش رئیس بانک مرکزی جمهوری اسلامی در گفتگویی با روزنامه اطلاعات، "طرح خودگردانی و کاهش هزینه‌های سازمانهای دولتی" را تشریح کرد. در این مصاحبه آمده است: "بنا به گزارش ارائه شده دولت به مجلس در زمینه بودجه سال ۶۵، بخش مهمی از بودجه در نظر گرفته شده و درآمدهای دولتی به جهت امور دفاعی اختصاص یافته است و در این شرایط کم کردن هزینه‌های جاری وزارتخانه‌ها و موسسات تحت پوشش دولت... ضروری بنظر می‌رسد و جلوگیری از افزایش میزان کسری بودجه دارد."

محسن نوربخش درباره خصوصیات این طرح گفت: "بعنوان نمونه می‌توان سازمان آب، شهرداری یا شرکت برق منطقه را نام برد وقتی ما می‌گوئیم خودگردانی اقتصادی، به این معناست که سازمانها از نتیجه فروش خدماتی که ارائه می‌دهند یا کالاهایی که تولید و یا عرضه می‌کنند، بتوانند هزینه‌های آن سازمان را پرداخت بکنند بطوریکه این موسسه برای گردش کارش احتیاجی به گرفتن کمک اقتصادی از دولت تحت عنوان سوبسید یا چیز دیگری نداشته باشد."

البته این طرح بیش از این نیز بدون آنکه رسماً اعلام شود، تا حدود معینی به اجرا در آمده بود. اکنون آنگونه که رئیس بانک مرکزی می‌گوید قصد اجرای کامل آنرا دارند. از اینرو باید منتظر بود که نرخ خدمات و بهای کالاهای عرضه شده از سوی واحدهای زیر پوشش دولت تا چندین برابر افزایش یابد.

رژیم، دردترارک کاهش حقوق و اخراج کارمندان دولت

مهندس رضوی معاون نخست وزیر و دبیر کل سازمان امور اداری و استخدامی کشوری در مصاحبه‌ای با رسانه‌های دولتی، جزئیات لایحه خدمات کشوری را تشریح کرد. این لایحه که بنا به ادعا رضوی، محصول شش سال کار کارشناسان رژیم می‌باشد، به منظور تحویل فشارهای بیشتری به کارمندان و پرسنل دولتی، کاستن از حقوق و زمینه‌سازی برای اخراج آنان تدوین شده است. بر اساس این لایحه، مدیران و مسئولان دولتی حق دارند به بهانه نارضایتی از نحوه کار، تا ۲۰ درصد حقوق کارمندان را پرداخت نکنند. رضوی در مورد اخراج کارمندان گفت: "کسانی که امتیاز لازم را برای کارنامه خدمتی خود بدست نیاورند، بتدریج از گردونه خدمات دولتی باید خارج شوند."

شکل استخدام کارمند بر اساس این لایحه بدین صورت خواهد بود که وزارتخانه‌ها و دوایر دولتی نیازهای خود را به این سازمان اطلاع داده و سازمان خدمات کشوری پس از مصاحبه و امتحان، افراد واجد شرایط را بر خواهدگزید و در اختیار آن دوایر دولتی قرار خواهد داد. رضوی در ضمن افزود که "قانون جدید شامل نیروهای مسلح، قضات، کارکنان وزارت اطلاعات و شهرداری" نخواهد بود.

خاموشی: همه کارخانه‌های دولتی باید به بخش خصوصی سپرده شود

سید دهمین اجلاس هیئت رئیسه و مسئولان اتاقهای بازرگانی و صنایع و معادن سراسر کشور در کاشان برگزار شد. در این سمینار که از روز چهارم آذرماه آغاز شده بود، علاوه بر مسئولین مملکتی، گروهی از بازرگانان و "دست اندکاران امور اقتصادی کشور" نیز شرکت داشتند. در این اجلاس، معاون وزارت بازرگانی اعلام کرد که در هفت ماه اول سال جاری، ۸۸/۶ درصد مناسبات بازرگانی جمهوری اسلامی با کشورهای غربی، کشورهای اسلامی و دیگر کشورهای غیر سوسیالیستی بوده است. کشورهای عمده صادر کننده کالا به جمهوری اسلامی در هفت ماه اول سال جاری عبارت بودند از ژاپن، ترکیه، آلمان فدرال، اتریش، سوئیس و انگلستان.

سیدعلی نقی خاموشی رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، با تاکید بر شرکت فعالتر بخش خصوصی عنوان کرد: "بخش اقتصاد غیر دولتی خواستار واگذاری کارخانه‌ها به بخش غیر دولتی است تا حجم کارهای گرفتار کننده دولت کاهش یابد." این سمینار روز شانزدهم آذرماه خاتمه یافت.

اعتراف به شکست "انقلاب فرهنگی"

روز سه شنبه ۱۹ آذر ماه اعضای شورای عالی "انقلاب فرهنگی" با خمینی ملاقات کردند. خمینی خطاب به اعضای این شورا گفت: "یک وقت این است که قیامی می‌شود، نهضتی می‌شود برای کار خوبی، اما آنچه مقصود است نمی‌شود... شما می‌خواستید که کار خوبی بکنید، بد شده است، ولی شما می‌خواستید کار خوبی انجام دهید." خمینی در سخنان خود با توجه به درگیریهایی رقابت جریان میان اعضای این شورا از آنان خواست که "برای خودشان کار نکنند" و مامانگی داشته باشند.

در همین هفته هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس نیز ناتوانی رژیم را در تامین و تربیت نیروهای متخصص با این عبارت بیان داشت: "حدود چند صد هزار نفر نیروی انسانی متخصص کم داریم."

ملک فهد، ولایتی را به حضور پذیرفت

هفته گذشته ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی وارد ریاض پایتخت عربستان سعودی شد. وی در طول اقامت خود در ریاض با ملک فهد پادشاه عربستان سعودی و امیر سعود الفیصل وزیر امور خارجه آن کشور ملاقات کرد. با آنکه رسانه‌های دولتی جمهوری اسلامی مدعی شدند که مسئله جنگ، محور مذاکرات طرفین را تشکیل نمی‌داده است، شاهزاده فیصل در مصاحبه با خبرگزاری فرانسه اعلام نمود که موضوع ملاقات ولایتی با سران عربستان سعودی بر سر مسئله جنگ، مسئله افغانستان و فلسطین و همچنین روابطی مابین دو کشور بوده است. ولایتی پس از انجام ملاقاتهای خود در عربستان سعودی، عازم امارات متحده عربی شد و با رئیس امارات ملاقات کرد. ناظران سیاسی رسانه‌های غرب اعلام کرده‌اند که جمهوری اسلامی با انجام این

ملاقاتها، درصدد است تا روابط نزدیکتری با این دسته از کشورهای عربی ایجاد کند. از سوی دیگر بشارتی قائم مقام وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی، به پاکستان اعزام شد و باضیاع الحق ملاقات کرد. پیش از این اعلام شده بود که نخست وزیر ترکیه در آینده نزدیک به ایران سفر خواهد نمود.

تاکید بر روابط خوب جمهوری اسلامی و غرب

روز ۱۲ آذرماه سفیر آلمان فدرال در پایان دوره مأموریت خود با عاشی رفسنجانی دیدار کرد. سفیر آلمان فدرال در این دیدار اظهار داشت: "روابط دولت آلمان با ایران در حال گسترش است و امیدوارم روز به روز توسعه بیشتری پیدا کند." وی در تشریح رژیم جمهوری اسلامی به تداوم جنگ عنوان نمود که "پیروزی ایران در این جنگ نمی‌تواند برای غرب بد باشد" رفسنجانی در این ملاقات اظهار کرد که: "ما در این مدت شاهد روابط جمهوری اسلامی ایران با آلمان بوده‌ایم. مادر این روابط هیچ تهدیدی برای منافع مشروع ما نداشته‌ایم. طبعاً اگر دیگران هم درست عمل کنند با ما روابط خوبی خواهند داشت."

هاشمی رفسنجانی با این سخنان کوشید تا دیگر کشورهای غربی را به هر چه گسترده‌تر کردن روابطشان با جمهوری اسلامی ترغیب نماید.

شکوه‌های یکی از نمایندگان مجلس

در جلسه روز ۷ آذر ماه مجلس، یکی از نمایندگان شکوه کرد که: "کافی است که کسی از نماینده‌ای شکایت کند، بلافاصله بدون معطلی دادسرای او را احضار می‌کنند... طبق اصل ۸۶ نمایندگان را نمی‌توان به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده‌اند، تعقیب و یا توقیف کرد، ولی متأسفانه گویا دستگاه قضائی نمی‌خواهد اصول قانون اساسی را بپذیرد... بهر حال من به این حرکت‌های غیر قانونی که هر چند وقت یکبار نماینده‌ای احضار می‌شود معترض و این جهت گیری حاصلی جز تهدید و ارباب نمایندگان... ندارد. گرچه ممکن است آقایان باریگر من را به سبب این اظهارات احضار نمایند." گویا این آقای نماینده فراموش کرده است که همزمان با آغاز کار مجلس، خمینی به قوه قضائیه دستور داد نمایندگان را به خاطر اظهاراتشان از پشت تربیون مجلس تحت پیگرد قرار دهند.

چه تاراجی می‌کنند!

یک تاجر بنام محمد محمدی به جرم کرائشوی به ۲ میلیارد تومان جریمه محکوم شده است. وی که در کار واردات آهن بوده است، در سال ۶۱ نیز به همین اتهام به ۲ میلیون تومان جریمه محکوم شده بود. با وجود این از آن پس نیز با برخورداری از حمایت دست اندرکاران رژیم توانست واردات آهن را در حجمی بیش از گذشته ادامه داده و ظرف سه سال ۱۱۹ هزار تن آهن با ارز دولتی وارد نماید. بقیه در صفحه ۱۱

کارگران و نگهبان هفت تیر کش

اهانت به کارگران، بی پاسخ نمی ماند

زمان مناسب برای تخریب منازل

باختران - در کارخانه حلبی سازی شرکت نفت، کارگران به صورت کنتراتی کار می کنند. آنان موظفند در ازای دستمزد روزانه حجم معینی از کار را انجام دهند. پس از آن کار و وظیفه ای در کارخانه به عهده ندارند. چندی پیش گروهی از کارگران پس از اینکه کارشان را زودتر از موعد معمول به پایان رساندند، قصد ترک کارخانه را داشتند. اما آنان با مقابله گستاخانه یکی از اعضای انجمن اسلامی که به عنوان نگهبان در این کارخانه کار می کند، مواجه گردیدند. کارگران وقتی به مخالفت های او نگذاشته و قصد خروج داشتند، نگهبان مزبور با کلت کارگران را تهدید می کند و حتی دست به تیراندازی هوایی می زند. با این عمل، دیگر کارگران از مواقع مطلع شده و دست از کار می کشند. کارگران معترض دسته جمعی به محل خروجی کارخانه آمده و مجتمع گردیدند. با این حرکت اعتراضی مدیریت مجبور گردید این عضو هفت تیر کس انجمن اسلامی را از محل دور نماید و به مذاکره با کارگران بپردازد.

پیروزی حرکت اعتراضی معلمان حق التدریسی

با شروع سال تحصیلی جدید هیچیک از معلمان حق التدریسی منطقه ۱۲ تهران چه ابتدایی، چه متوسطه و چه راهنمایی دعوت به کار نشدند. این امر موجب نگرانی معلمان شد. آنها پس از پیگیری در یافتند که رئیس آموزش و پرورش منطقه در جمع معلمان حق التدریسی امور تربیتی گفته است طی بخشنامه شماره ۳۰۰ به کلیه مناطق بیست گانه تهران دستور داده شده همه معلمان حق التدریسی را اخراج کنند. در بخشنامه علت این امر کمبود بودجه ذکر گردیده بود.

پس از مراجعات مکرر معلمان، رئیس آموزش و پرورش منطقه ۱۲ از کلیه معلمان حق التدریسی منطقه دعوت نمود روز دهم مهر ماه در کلوب ورزشی پسرانه مقده شهروور حضور یابند. وی در این روز در جمع معلمان به توجیه تصمیم آموزش و پرورش پرداخته و ضمن مہمل بافی های پوچ و با انگشت گذاشتن بر مسئله جنگ گفت ما بودجه نداریم و نیازی به حق التدریسی هائیست. مگر آن عده که به امور تربیتی اشتغال دارند. او همچنین تاکید کرد اگر کسانی مایل به ادامه کار هستند می توانند بدون حقوق تدریس کنند.

بیاوه های او اعتراض خشمگین را برانگیخت. یکی از معلمان در حالیکه بشدت ناراحت بود خود را به وسط سالن رساند و فریاد زد: چه کسی جواب زن و بچه مرا می دهد؟

معلمان برخاستند و مسئولین در رفتند. پیش از شصت نفر از معلمان به قصد مذاکره با وزیر آموزش و پرورش (اگر می) از سالن خارج گردیدند و بی اعتنا به مخالفت امور تربیتی هابه سوی خیابان اکباتان به راه افتادند در طول مسیر، مردم پس از اطلاع از موضوع با راهپیمایان ابراز همدردی می کردند و آنها را به گرفتن حق شان تشویق می نمودند.

در خیابان اکباتان به معلمان گفته شد وزیر در ساختمان وزارتخانه در خیابان سی تیر بسر می برد.

باختران - در کارخانه قند بیستون مثل دیگر کارخانه های کشور کارگران در راه افزایش سطح دستمزد مبارزه می کنند. در شهریور ماه سال جاری محبی رئیس اداره کار باختران ظاهرا به منظور پاسخگویی به کارگران به کارخانه می آید. سخنان عوامفریبانه او موثر واقع نمی شود و کارگران به طور یکپارچه تقاضای افزایش سطح دستمزدها و دیگر مطالبات خود را مطرح میکنند و انجام آنها را خواستار می شوند. رئیس اداره کار که هیچ پاسخی به تقاضاهای برحق کارگران نداشت، به تهدید آنان می پردازد و خطاب به کارگران سخنانی اهانت بار بر زبان می راند. کارگران با اعتراضی تند، واکنش نشان می دهند به گونه ای که محبی وادار به ترک کارخانه می گردد. با وجود این کارگران مسئله را پیگیری می نمایند. آنها خواستار بودند که رئیس اداره کار در جمع کارگران رسماً از بابت سخنان توهین آمیز و عذرخواهی نماید و برای رسیدن به این خواسته تهدید به اعتصاب می کنند. محبی ناچار گردید کتبا سخنان خود را پس بگیرد.

آنها عازم خیابان سی تیر شدند. وقتی به ساختمان رسیدند، مسئولین هراسان درب ورودی را بستند. اما معلمان فشار آورده درب را باز نمودند و چند تن بمنظور دیدار با وزیر وارد ساختمان شدند، حسینی معاون وزیر به آنها گفت وزیر در این محل نیست. پاسخ وی غلغله ای برآه انداخت. حاضرین شعار دادند "بخشنامه سه هزار ملغی باید گردد" مسئولین عدم حضور وزیر را بهانه کرده از آنها خواستند که به خانه هایشان بر گردند. اما حاضرین فریاد زدند "ما منتظر اگر می هستیم، هیچ جا نمی رویم، همین جا هستیم!" در این زمان دو اکیپ گشت سیاه به محل آمدند نفرات سیاه معلمان را محاصره کردند. گشتی ها کینه جویانه پرسیدند چه می خواهید؟... از اینجا بروید! معلمان در حالیکه فشرده تر می شدند پاسخ دادند: آمده ایم حقمان را بگیریم. با وجود تهدیدهای سیاه معلمان نه تنها متفرق نشدند بلکه مصرانه تر خواهان مذاکره با اکر می شدند.

بر اثر پافشاری آنها، مجدداً معاون وزیر آمد و از حاضرین خواست برای مذاکره نماینده بفرستند. دو معلم زن و دو معلم مرد بعنوان نماینده برگزیده شدند و برای مذاکره به درون ساختمان وزارتخانه رفتند و دیگران در محل ورودی ساختمان به انتظار ماندند. از آنجا که تاخیر بازگشت نمایندگان ایجاد نگرانی کرده بود، معلمان به مامورین سیاه مراجعه کردند اما پاسخ شنیدند که نمایندگان در آن روز باز نخواهند گشت. این امر بر نگرانی متحصنین افزود. آنها اخطار کردند که تا بازگشت نمایندگان محل را ترک نخواهند گفت. چندی پس از این اخطار بود که نمایندگان باز گشتند و اعلام نمودند وزارتخانه ادامه تدریس این گروه از معلمان را پذیرفت.

به این ترتیب این حرکت جمعی معلمان زحمتکش به پیروزی رسید.

در منطقه خلیج (واقع در جاده کرج) بر اثر درگیری های مداومی که به هنگام تخریب منازل بین مردم و مسئولین تخریب شهرداری، کمیته و سپاه بوجود آمده، شهردار منطقه راه حل نوظهوری یافته است. راه حل شهرداری برای تخریب منازل مسکونی و غافلگیر ساختن مردم بدین شرح است که خبرچین های محلی (که در تاریخ ۱۸ مهر ماه در مسجد محل انتخاب شده اند) موظفند به محض مشاهده خانه ای خالی از سکنه در محله، شهرداری را در جریان بگذارند، تا شهرداری توسط مامورین ویژه تخریب قبل از بازگشت صاحب خانه ترتیب ویرانی ساختمان را بدهد. بدین طریق می خواهند در غیبت صاحب خانه هابتد ریچ یک یک ساختمانهای این محله را ویران نمایند.

یورش تازه شهرداری به خاک سفید ناکام ماند

چندی پیش ساکنین منطقه کازینو خاک سفید واقع در شمال شرق تهران پس از مدتها دوندگی بالاخره موفق شدند سازمان آب را وادارند که با لوله کشی آب منازل این منطقه موافقت نماید. البته سازمان آب و شهرداری در ازای این موافقت از هر یک از ساکنین محل مبالغ قابل توجهی تحت عناوین مختلف اخذ کرده بودند. با وجود این در روز ۲۲ مهر ماه هنگامیکه مردم مشغول نصب لوله های آب بودند، مامورین شهرداری در معیت ژاندارمها به محله یورش آوردند تا از نصب لوله های آب جلوگیری نمایند. اما مقاومت اهالی بویژه زنان زحمتکش مهاجمین را ناکام گذارد.

اعتصاب دانش آموزان

دانش آموزان دبیرستان دکتر خاندعلی که اکنون دبیرستان دستغیب نامیده می شود، در روزهای ۲۰، ۲۱ و ۲۲ مهر ماه سال جاری دست به اعتصاب یکپارچه ای زدند، این اعتصاب در اعتراض به تصمیم آموزش و پرورش منطقه (۱) تهران جهت تعویض مدیر دبیرستان دستغیب رخ داد.

طی روزهای اعتصاب، دانش آموزان در مدرسه حضور می یافتند. آنها فرستاده ویژه امور تربیتی منطقه را که بمنظور شناسایی فعالین اعتصاب و فرونشاندن اعتراض دانش آموزان آمده بود، با پرسش هایی درباره جنگ، گرانی، نفت و غیره کلافه کردند. در این سه روزه که جو مناسبی برای ابراز نارضایتی از خودسری های وزارت آموزش و پرورش بوجود آمده بود، معلمان نیز از حرکت دانش آموزان حمایت کرده، با تعویض مدیر مدرسه مخالفت ورزیدند.

دزدی در شرکت نفت آغاچاری

آغاچاری - اعضای یک باند پانزده نفره از مسئولین شرکت نفت این منطقه به علت اختلاس بازداشت شدند. یک قلم کوچک از دزدی های این مقامات سرقط سه عدد کامیون بود.

پرتوی از رزم جوانان فدایی

سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت)، سازمان که یلانی چون تابان و میثی آن را بنیان نهاده، همه جا حضور رزمنده خویش را چون تیر بر چشم دشمن فرو می‌کند. جوانان فدایی که درس رزمندگی، عشق به خلق و اتکانه اندیشه و الای طبقه کارگر را در مکتب فدائیان خلق آموخته اند همه جا پدر آگاهی و تشکل، رزمندگی و پایداری و شور و سرزندگی می‌افشانند. بر اساس گزارشهایی از واحدهای سازمان جوانان فدایی در تهران، پرتوی از این رزم پر شکوه را بازتاب می‌دهیم.

* * *

از گزارش یک واحد سازمان جوانان:

"در ساعت ۱۲/۵ روز ۱۱ مهر یک واحد پخش در جلوی مدرسه عاصمی (خیابان دکتر هوشیار - آزادی) اقدام به پخش ۲۶۰ عدد اعلامیه سازمان جوانان نمود. بلافاصله پس از پخش محصلین بسوی اعلامیه‌ها دویدند تا یکی نصیبشان شود. رفقا سلامت از محل خارج شدند."

رفیقی از مسئولین یکی از واحدهای سازمان جوانان در تهران در نامه خود می‌نویسد: "اعلامیه‌ای با عنوان "مردم همچنان علیه رژیم ایستادگی می‌کنند" را پخش

اعلامیه زیر توسط جوانان فدایی ناحیه جنوب غرب تهران منتشر و وسیعاً توزیع شد

هم میهنان گرامی!

در اوایل انقلاب بعد از اینکه غیائی که از زمینداران و سرمایه‌داران بزرگ است از ترس مردم گریخته و پنهان شده بود، مقداری از زمینها و مستغلات وی از جمله مدرسه راهنمایی هاجر و زمین مجتمع ورزشی ولی عصر توسط مردم و به نفع عموم مصادره گردید. رژیم خدمتگزار سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ اخیراً حکم باز پس دادن زمین ورزش شهرک ولی عصر و تخلیه مدرسه راهنمایی هاجر را به سود غیائی صادر کرده است. که قبل از شروع سال تحصیلی به دستور غیائی مدرسه راهنمایی هاجر بروی دانش آموزان بسته می‌شود. روز اول مهر دانش آموزان و اولیا آنان علیرغم مخالفت و ممانعت پاسداران و پلیس قضایی وارد مدرسه شده و آثار به تصرف در می‌آورند. پس از آن مسئولین رژیم به دانش آموزان و اولیا آنان قول می‌دهند که اگر آنها از مدرسه بیرون بروند ظرف چند روز از طریق قانون به نفع دانش آموزان مسئله راحل می‌کنند و با این وعده آنها را از مدرسه بیرون می‌فرستند ولی با گذشت چند روز نه تنها خبری از عملی شدن وعده نمی‌گردد. بلکه عمال غیائی شروع به تخریب ساختمان مدرسه می‌نمایند که با مشاهده این امر دانش آموزان و اولیا آنان با خشم و نفرت زیاد و با حمایت اهالی محل همراهی تعدادی از معلمین و کارکنان آموزش و پرورش ناحیه ۷، در تاریخ ۷ مهرماه برای دومین بار مدرسه را تصرف میکنند. رژیم که خود را در قبال استقامت مردم زحمتکش ناتوان می‌بیند "صلاح" را در تسلیم می‌بیند و پس از آن ریاکارانه و عوامفریبانه خود را حامی مردم جا می‌زند. گویا اینان نبودند که به نفع غیائی حکم صادر کردند و گویا اینان نبودند که مردم را از مدرسه بیرون کردند، تا غیائی با خیال راحت حکم تخریب ساختمان مدرسه را بدهد. از این گذشته دولت خدمتگزار سرمایه‌داران که به غیائی قول داده است که نه تنها اجازه مدرسه را می‌پردازد بلکه به میزبان اجازه چیزی می‌افزاید تا بدینوسیله با ردیگر چاکری خود را به سرمایه‌داران "محترم" و مخالفتش با اقدامات و خواستهای مردم زحمتکش را معلوم ثابت نماید.

از گزارش تبلیغی یک واحد

در تهران

"از اوایل شهریور تا نیمه مهرماه بیش از ۲۰۰ مورد نصب و شعارنویسی انجام دادیم همچنین جمعاً حدود ۹۰۰ برگ اوراق تبلیغی در سبیل، منطقه لارشت، کوی کن، میدان امام حسین، آذربایجان و میدان ۷ تیر پخش گردید."

اعلامیه‌ای با عنوان "در سال جوانان و نوجوانان برای پایان دادن به حاکمیت ارتجاع مبارزه علیه جمهوری اسلامی را گسترش دهیم!" از سوی واحدی از جوانان غرب تهران منتشر و توزیع شد. بخشهایی از این اعلامیه بر شرح زیر است:

"... در سال جوانان و نوجوانان بهم نزدیک تر شویم و کوش کنیم با اتحاد و آگاهی خود پیوندان را با مبارزات مردم مستحکم کنیم. بر عهده ماست که برای تحکیم پیوند جنبش جوانان و جنبش انقلابی مردم در اعتصابات، تظاهرات و راهپیمایی‌های مردم زحمتکش محل و کارگران کارخانه‌ها شرکت کنیم. نگذاریم جنون جنگ طلبی خمینی ما را به کام مرگ و نیستی روانه کند. نگذاریم دوستانمان را از پشت میز مدرسه کشیده و قربانی مقاصد ضد انسانی خود سازند... در سال جوانان و نوجوانان می‌بایست بطور متشکل و

ایران از شما پشتیبانی می‌کنند و پیروزی شما در این مبارزه حق طلبانه را گامی در جهت سرنگونی رژیم خمینی می‌دانند.

مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا!

پیروز بادر مبارزه خلق در راه سرنگونی جمهوری اسلامی!

هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - مهر ۱۳۶۴

از بریده یک گزارش:

"در ورزشگاه شیخ صدوقی شعارهای زیادی نوشته بودیم. اخیراً موقع ورود مشاهده کردیم که کارت شناسایی افراد را کنترل می‌کنند و هرکس که کارت نداشته باشد به درون ورزشگاه راه نمی‌دهند. در بیان ورزشگاه می‌گفت کنترل بخاطر اینست که عده‌ای از بیرون می‌آیند و شعار می‌نویسند"

از یک نامه خانوادگی

"چند نفر از دوستانم را دیدم که اعلامیه سازمان جوانان در مورد آغاز سال تحصیلی بدستشان رسیده بود یکی از آنها می‌گفت که اعلامیه را در خانه‌شان انداخته بودند"

اتحاد، مبارزه، پیروزی

مردم زحمتکش کوی ولی عصر!

جوانان عزیز!

بیکمان می‌دانید که تفریحات سالم و ورزش از عواملی هستند که جوانان را از بسیاری انحرافات دور کرده و به رشد جسمی و روحی آنان کمک می‌کند. اما رژیم خمینی اهمیتی برای خواستها و نیازهای واقعی جوانان قائل نیست و برای رسیدن به نیات ارتجاعی و قرون وسطایی اش تلاش می‌کند. جوانان میهنان را از نظر روحی و جسمی نابود کند. آنها را دسته دسته در تنور جنگ طلبی اش خاکستر کرده و در زندانها و شکنجه گاهها شهید نماید و با گستردن جو خفقان، اندوه و خرافات بر فضای زندگی و تحصیل جوانان، زندگی میاهی را برای آنها تدارک ببیند. این رژیم تنها امکان ورزش محله شما را به غیائی باز پس داده است و اونیز بادر دست داشتن حکم دادگاه منتظر فرصت مناسب است تا مجتمع ورزشی محل را تصرف نماید، و زخمی بر زخمهای جوانان اضافه کند.

مردم زحمتکش ولی عصر، جوانان عزیز!

در قبال این عمل ضد مردمی رژیم مقاومت نمایید و بدون توجه به وعده‌های دروغین کارگزاران رژیم با اقدامات خود در جهت انتقال مالکیت زمین به تربیت بدنی مبارزه کنید. همچنین با بازسازی و نوسازی زمینهای ورزشی مجتمع هم کیفیت استفاده از آنها را بالا ببرید هم موجبات جذب هر چه بیشتر جوانان را فراهم کنید.

جوانان - ورزشکاران - مربیان، پدران و مادران عزیز! متحد او با استفاده از اشکال مختلف در این جهت مبارزه کنید. صدای حق طلبانه خود را به گوش همه برسانید و خیانت رژیم در حق جوانان محله ولی عصر را در همه جا و منجمله در میادین و مسابقات ورزشی محلات افشانید.

جوانان فدایی (ناحیه جنوب غرب تهران) ۶۴/۷/۹

مقاله ای از "عصر ما" ارگان حزب کمونیست آلمان - ۲۴ اکتبر

"عصر ما" ارگان حزب کمونیست آلمان در شماره ۲۴ اکتبر سال جاری خود، مقاله ای تحت عنوان فوق به چاپ رسانده است که ترجمه آن را از نظر خوانندگان می گذرانیم.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران اینک دو سال و نیم است که ناچار شده اند تحت شرایط غیر قانونی به فعالیت ادامه دهند. علی رغم دستگیریهای متعدد فعالین سازمانهای کمونیستی،

ایران: مقاومت علیه رژیم خمینی

از گزارشهای هسته های مخفی حزبی فدائیان خلق (اکثریت)

به ویژه در دوره بلافاصله پس از آغاز پیکردها در ماه مه ۱۹۸۲، سازمان امنیت جمهوری اسلامی نتوانسته است این سازمانها را متلاشی سازد.

به عنوان نمونه، فدائیان خلق تشکیلات خود را با شرایط کار مخفی انطباق داده اند. گزارشهای هسته های حزبی مخفی فدائیان خلق حاکی از حضور فعال آنان در اقدامات

اعتراضی خود بخودی مردم علیه جنگ بیهوده خلیج، در اعتصابات کارگری کارنجات، در میان جوانان کارگر و دانش آموزان در کارگاهها و مدارس، در بین دانشجویان دانشگاهها و غیره، و در مبارزات علیه سطح نازل دستمزدها، بی عدالتی اجتماعی، عدم کارآیی سیستم آموزشی و سرکوب است.

اهمیت فعالیت تبلیغی مکتوب و مداوم فدائیان خلق وقتی آشکار می شود که در نظر آورییم مراقبت پلیس مخفی در ایران امروزه به ابعاد بسیار گسترده ای رسیده است.

ماشین تحریر، رنگ چاپ، ماتریس، استنسیل و کاغذ رانمی توان آزادانه در مغازه ها خرید. باید از طریق کانال بازار سیاه و با ریسک امنیتی زیاد (زیرا بازار سیاه هم تحت مراقبت شدید پلیس مخفی قرار دارد) این احتیاجات اولیه کار تبلیغی مکتوب را تهیه کرد. وضع در مورد ماشین های تکثیر بسیار دشوارتر است. اما تهیه آنها فقط ظنی از مشکل است. این دستگاهها باید در جای امن و بطور کم صدا کار کنند. همچنین باید حمل و نقل منظم از مراکز چاپ به بیرون و بر عکس و از خانه های مربوط به جاهای دیگر را طوری انجام داد که امری غیر عادی به نظر نیاید.

خودکار تبلیغات کتبی به اشکال گوناگون انجام می گیرد. به کمک اسپری رنگ و ماژیک شعارهایی نظیر "جنگ را قطع کنید، مردم صلح می خواهند!"، "پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی جمهوری اسلامی!"، "زندانهای سیاسی آزاد باید گردند!" و "زنده باد صلح - مرگ بر خمینی جنگ افروز!" بسته به شرایط روی دیوارها و یادر اماکن عمومی نوشته می شود. امضای شعارها چنین است: "فدائیان خلق (اکثریت)".

پخش اعلامیه ها و ارگان رسمی کمیته مرکزی، اغلب بطور ناشناس، از طریق گذاشتن آنها در کیوسکهای تلفن، بیرون ریختن از اتومبیلها و موتور سیکلتهای در حال حرکت و اتوبوسهای دو طبقه شهری صورت می گیرد.

مثلا در مرکز شهر تهران چندی پیش هنگام سنگین ترین ترافیک، از یک پنجره ساختمان پلاسکو، که چهل متر ارتفاع دارد، دو تا سه هزار

اعلامیه به خیابان و پیاده رو ریخته شد. در یک گزارش فدائیان خلق در این باره آمده است: "...پایین، در خیابان، که ما بودیم، راه بند آمده بود و در پیاده رو، جلوی "بازار کویتی ها" جمعیت موج می زد. بین آنها رفقای بودند که وظیفه داشتند واکنش رهگذاران را در نظر بگیرند... همه به سوی اعلامیه ها میوم بردند... وسط خیابان، یک ماشین سیاه ضد کلوله، متعلق به یک مقام دولتی ایستاده بود. چند دقیقه پس از پخش اعلامیه، یکی از محافظین پیاده شد، از یک درخت بالا رفت، یک اعلامیه را که به شاخه های درخت گیر کرده بود پایین آورد و به طرف ماشین برگشت.

وقتی کشتهای امنیتی به محل رسیدند، دیگر یک اعلامیه هم روی زمین نمانده بود. به علت زیادی جمعیت پاسداران نمی توانستند همه عابریں را به دنبال اعلامیه مورد تفتیش بدنی قرار دهند..."

یک نمونه دیگر: "...ساعت شش و نیم صبح رفیق در حشمتیه (محله ای در شهر تهران) در پیاده رو دست به پخش مستقیم اعلامیه زد. یک جاسوس او را دید و به دنبالش دوید. رفیق مابابقیه اعلامیه ها که در دستش بود وارد یک خیابان فرعی شد و از آنجا سورا توی یک کوچه بن بست دوید. جاسوس، شروع به فریاد کشیدن و کمک خواستن کرد. ساکنین محل به کوچه آمدند و آن جاسوس را دوره کردند. وی را عطا گیر انداختند و او این طریق به رفیق ما امکان دادند از کوچه بن بست بیرون بدود. او بقیه اعلامیه ها را به طرف جمعیت پرتاب کرد و ناپدید شد..."

و اینک گزارش از نشریه فدائیان خلق:

"در ماه اوت جمعا ۷۶۴ مورد پخش اعلامیه داشتیم. در ۴۵۰ مورد، پخش سریع بود و در شش مورد، علنی و دست به دست - در صف اتوبوس و سینما و غیره... یک پلاکارده جنگ رایبه پل حافظه که در مرکز شهر تهران و تحت مراقبت شدید است آویختیم، اما پس از پنج دقیقه برچیده شد. در ۲۴۰ مورد، اعلامیه و کار - ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - را پست کردیم همچنین ۲۰۰ شعار به دیوارها نوشتیم، که ۲۰ شعار با اسپری و به اندازه بزرگ بود. ۵۲ تراکت علیه جنگ و برای تحریم نمایش انتخابات جعلی ریاست جمهوری چسباندیم."

گرو اتحاد و آگاهی و مبارزه ماست..."

اعلامیه زیر توسط جوانان فدایی خلق - شمال غرب تهران تهیه و بشکل گسترده بویژه در جلومدارس در حال تخلیه پخش گردید. گزارش توزیع آنرا قبلا در نشریه درج کردیم.

رژیم خمینی، عامل تخلیه مدارس است

در ادامه سیاستهای خائنانه و ضد مردم، رژیم خمینی در حمایت از سالکان مدارس استحصاری، طی دو ماه گذشته ۲۸ مدرسه با ظرفیت ۱۰ هزار دانش آموز تخلیه شده اند و در چند روز آینده دهها مدرسه با ظرفیت دهها هزار دانش آموز تخلیه میشوند.

رژیم خمینی حامی بزرگسالان و کلان سرمایه داران است. تحت حمایت سالداران و ژاندارها مالکان بزرگ با زور سرنگیزه زمین دهقانان را تصاحب می کنند. روز بروز تعداد بیشتری از سرمایه داران فراری برای تصاحب اموال مردم به کشور باز می گردند و با استقبال گرم مقامات رژیم روبرو میشوند. سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت) در پیام بنیاد آفتاب سال تحصیلی ۶۵ - ۶۴ مدرستی اشاره می نماید: "رژیم خمینی مدارس کشور را با فروتنی اسباب روبرو کرده است. فشرنگری و غلبه ستیزی و ظلم برای تعلیم و تربیت اجتماعی در مدارس، برای به بند کشیدن نسل جوان انجام می گیرد. همان فردای انقلاب در مرکز توجه و برنامه خمینی و دیگر سران مرتجع رژیم قرار داشت. هزینه های این سیاست ارتجاعی به خراب فاجعه بار وضعیت آموزشی کشور منجر شده است و افزایش هزینه های تحصیلی کمبود شدید مدارس افت سطح آموزش آنان افزایش بی سابقه دانش آموزان مردود شده بخش بزرگی از جرایم کشور را از تحصیل محروم کرده است."

مردم فهیمان ایران با اولیا و مربیان دانش آموزان آگاه و مبارز! متحد و یکپارچه مدای اعتراضات را علیه سیاستهای ارتجاعی رژیم بلند کنید. از تمامی راهها برای جلوگیری از تخلیه مدارس استفاده کنید.

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت) - شمال غرب تهران

گرامی باد پانزدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان فدائیان

خلق ایران (اکثریت) سازمان طراز نوین طبقه کارگر ایران!

ما این چنین آغاز کردیم...

تبلیغ سلاحه محوّر تمام اشکال مبارزاتی خلق ما - چریکهای فدائی خلق

کسارگران ایران - محمّد - شورو

پسروز بساد، اعتصابات حق طلبانه کارگران تهران

تنگ و نفرت بر وزارت کار و دولت شاه - اعتصاب کارگران نارنجان کف - مس

در آستانه پانزدهمین سالگرد اعلام موجودیت سازمان

فدائیان و جنبش کارگری

به سوی دریا

سازمان ما دارد ۱۵ ساله می شود. ۱۵ سال در تاریخ لحظه ای بیش نیست. اما همه "لحظه ها" در تاریخ، ارج یکسانی ندارند. لحظاتی وجود دارند که خودتاریخند. لحظاتی وجود دارند که به لحظات بعدی معنای تازه ای می بخشند. بعد از آنها، سالها و دهه ها، نامهای تازه ای می یابند، دارای هویت تازه ای می شوند و این همه به اعتبار آن "لحظه" است؛ لحظه ای در آن "آن" تاریخی. چرخش تاریخ در یک "آن".

سیاهکل، نقطه آغاز حرکت ما بود. اما ما کیانیم؟ امروزی تردید می توانیم بگوییم هرچند رزم طبقه کارگر نیم. به این اعتبار "سیاه" راز تازه ای در حرکت کمونیه ایران بود. امر طبقه کارگر، حامی خلق است؛ به این لحاظ، فرازی در حرکت خلق بود.

ن آموخته ایم که حال را از سکر ینده بنگریم. زمانی ۱۳۴۹ "ن" بود ۱۵ سال بعد، "آینده" ای دور. آن "اکنون"، به این "آینده" موجودیت و خودپردگی بخشیده است و اینک این "آینده" موجود و در دسترس، بیانگر اهمیت آن "لحظه" است. این دوراد ارتباط با یکدیگر بنگریم. اکنون به "دریا" پیوسته ایم و این نمی شد و میسر نبود، اگر زمانی آن سان نیرومند و خروشان به سوی دریا راه نمی سپردیم.

هویت ما و

نیروی محرکه ما

کارهای بزرگ نیز آغازهای کوچک دارند. اما تاریخ، آغازهای کوچک کارهای بزرگ را به عنوان

آغازهای بزرگ، ثبت می کند و از میان جنبه های مختلف لحظه شروع، بر جنبه ای انگشت می گذرد که بالنده است و چوئان رشته ای مستحکم، دیروز را به امروز پیوند می دهد.

از آن "آغاز" بزرگی، کدام جنبه باید وبه امروز پیوست؟ همان چیزی که امروز نیروی محرکه ماست، همان چیزی که هویت "فدایی" است - نخستین کلامی که در معرفی سازمان ما باید گفت:

"سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) منافع، خواستهای آرمان غایی طبقه کارگر را نمایندگی می کند و در مقابل امپریالیسم و ارتجاع داخلی از منافع سایر اقشار و طبقات خلق - پشتیبانی می نماید.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، سازمان سیاسی طبقه کارگر ایران است... سازمان از اصول جهانشمول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری پیروی می کند." (ماده اول اساسنامه موقت سازمان - مصوب مرداد ۱۳۶۰)

ما این سان آغاز کردیم

راه پیموده شده، آسان طی نشد. آزمودیم، خطا کردیم، بعد از هر افتادنی نیرومندتر برخاستیم، قربانی دادیم، رنج کشیدیم و ملامت شنیدیم. ما همواره شجاع بودیم و صادق. ما منزه طلب نبودیم، شجاعانه آغاز کردیم و شجاعانه پیش رفتیم و "آگاهی" تکامل یافته، ناظر بر هر گامی بود که به پیش بر می داشتیم.

و بی گمان "آگاهی" هر آینه با صداقت انقلابی توأم شود، مثلاً ایمانی تزلزل ناپذیر می گردد. (از مقدمه تیرماه ۱۳۵۱ بر جزوه "مبارزه مسلحانه - هم استراتژی، هم تاکتیک"، اثر رفیق مسعود احمدزاده)

آنچه همواره ستاره راهنمای ما بود، تعهدمان به آرمان طبقه کارگر بود. ما به نام طبقه کارگر آغاز کردیم و امر طبقه کارگر را محک گرفتیم تا عیار درستی عملکردمان را با آن بسنجیم چه چیزی در خدمت پرولتاریاست؟ چگونه پیوندمان را با طبقه کارگر استحکام بخشیم؟ همواره در طول این مسیر خونین، به این پرسشها می اندیشیده ایم و به حرکتان، در راستای پاسخهایی که برای آنها می یافتیم، جهت می دادیم. نیکوست اگر در آستانه پانزدهمین سالگرد تولد سازمان، اسناد سالیان پیش را ورق زنیم تا دریابیم چگونه آغاز به حرکت کردیم. آنچه که امروز بنا بر هویت تثبیت شده مان

باید بر آن انگشت بگذاریم، این است که در اکثر اعلامیه ها و نوشته های همان سالهای نخستین، طبقه کارگر و پیشروان پرولتاریا را مخاطب قرار می داده ایم. ما از روز نخست گفته ایم که تنها طبقه کارگر شایستگی رهبری جنبش خلق را دارد، تنها طبقه کارگر است که می تواند پیگیر و بی تزلزل، جامعه را در آستانه سوسیالیسم قرار دهد، سوسیالیسم را در میهن ما مستقر کند و بر ما قبل تاریخ کشور ما، نقطه پایان بگذارد.

ما همواره در راستای این اعتقاد رزمیده ایم. به سوی طبقه حرکت کرده ایم و به امروز رسیده ایم که با پرولتاریا در آمیخته ایم.

یک جنبه از تجلی مادی این اعتقاد ما حضور فعال پیشروان طبقه کارگر در سازمان ما از همان روز نخست - تاجایی که تکنفاهای عینی و ذهنی مقدور ساخته - بوده است. نسل اول فدایی در بر گزیده انقلابیون ارجمندی همچون رفقا جلیل انفرادی، اسکندر صادقی نژاد، اصغر عرب



تظاهرات پرشکوه کارگران در اول ماه مه سال ۱۳۵۸

کارگران کار محمود آباد از روز ۱۳۶۴ خطاییه: سازمان چر به کا در رابطه با: کارخان

نمونه ای از تجاوزات رژیم ضد خلقی محمد رضا شاه نسبت به حقوق زحمتکشان میهن رفیق جلیل انفرادی

[illegible]

پخته شدن در شماره های مختلف "کار" تجلی دارد. سازمان ما در مقام عینی پيشامنگ پرولتاریا قرار گرفته بود و می بایست رهبری کند.

در این روند، عیار حضور کارگران در سازمان مادم بدم فزونی گرفت. کارگران جای شایسته خود را در سازمان مایافتند. ما اکنون به جایی رسیده ایم که با افتخار می گوئیم ۲۰ درصد از اعضای سازمان را کارگران تشکیل می دهند. این رقم در کشوری با بافت خرده بورژوازی، دستاورد بزرگی است.

فدائیان در دل

جنبش کارگری جادارد

ایفا نقش اصلی در سازماندهی
تظاهرات اول ماه مه سال ۱۲۵۸، یکی
از فرازهای مهم حیات سازمان ما به
شمار می‌رود. این تظاهرات نمود
پیوند فدائیان با طبقه کارگر بود.
این تظاهرات، هم جشن روز کارگر
بود و هم جشن این یگانگی. بعد از
آن تجربه از پی تجربه آمد. هر
اعتصاب، هر حرکت، بیان هر خواست،
مدرسه‌ای بود که هم به طبقه کارگر
می‌آموخت و هم به پیاپیانگی
راستیش. مادرپی آموختن‌های زنده
بقعه در صفحه ۱۲۵۸

می‌آفرینند. نظریات رفیق جزئی راه
را هموار می‌سازد: به سوی طبقه کارگر!
روم در دل طبقه کارگر: این است جای
شایسته ما!

وما به اینجا رسیدیم

ما از آن رو که به راستی انقلابی بودیم و در میان مردم جا داشتیم، پیش از دیگران قیام را دریافتیم و به هنگام گفتیم که "قیام را باور کنید" در روزهای قیام پیوند ما باجنبش کارگری بنیاد استواری یافت. بعد از قیام واژه‌ها تعابیر ویژه‌ای یافتند: فدایی یعنی کسی که در سنگر طبقه کارگر است. ارتجاع نیز به این تعبیر اذعان داشت. هر کجا که شورایی تشکیل می‌شد، فدایی حضور داشت. هر کجا که تشکلهای صنفی کارگری بنیاد گذاشته می‌شد، فدایی، راهنما و سازمانگر بود. پیوند عینی ما باجنبش کارگری قطعیت یافت.

ماشویه اصولی کاردرمیان طبقه
را سریع‌افزاکر فتم. تجربه‌جای خامی
را گرفت و واقع‌بینی علمی و انقلابی
جای ساده‌نظری را، کار سخت و
صورانه‌ای آغاز شد که به تدریج
شمرات خود را نشان داد. پیوند
خودبخودی و از بیرون جای خود را به
رابطه ارگانیک داد. این روند

رهبران سازمان بود...

— رفیق شهید یوسف زرکار
کارگر کارخانجات راه آهن بود...
(به نقل از اعلامیه
توضیحی اعدام فاتح، مندرج
در "نبرد خلق" دی ماه ۱۳۵۲)

آری، ما اینسان آغاز کردیم و
 بدینسان بالیدیم. ما درگام نخست
 پی بردیم که تنها در ارتباط با طبقه
 کارگر و زحمتکشان است که می‌توانیم
 زنده بمانیم و گسترش یابیم:

"ما به خلق خود و
فرزندان پشاهان کن ایمان
داریم و ضامن این ایمان خون
ماست . ما پاپوست و گوشت خود
نیاز به حمایت خلق را احساس
می کنیم و می دانیم بدون چنین
حمایتی، نابودی ما و ناپودی
راه، حتمی است ."

(از مقدمه خرداد ۱۳۵۰)
 (بر جزوه مبارزه مسلحانه...)

ما ماندیم و راه ما زنده ماند و این جز با حمایت خلق، میسر نمی‌شد. ما با خلق در آمیختیم و با هر کاهی که در این راستا برداشتیم، حمایت کارگران و زحمتکشان از ما بیشتر و بیشتر شد. اسناد گذشته را که ورق می‌زنیم، می‌بینیم وزن توجه به جنبش کارگری، دم بدم افزونتر می‌گردد. خبرهای اعتصاب، گزارش‌های مختلف از کارخانه، پیوسته حجم بیشتری از نوشته‌های آن سالهای نخست را به خود اختصاص می‌دهند. چریک به شدت در این اندیشه است که چگونه به سرچشمه فیض دست یابد، چگونه به جنبش کارگری بگردد.

کمره‌های ذهنی به تدریج گشوده می‌شوند. درمنظر چریک طبقه کارگر می‌نشیند و او را به سوی خویش می‌کشد. عملیات چریکی معطوف به تبلیغ در میان طبقه کارگر می‌شود: اعدام فاتح، انفجار در اداره کار... کمیته‌ها جمع می‌شوند و کیفیت نوین

مهریسی، مناف فلکی، ایرج سپهری،
 یوسف زرکاری و حسن ثوروزی است.
 اینان از زمره نخبگان طبقه کارگر
 اند.

"نبرد خلق" ها را وقتی ورق می‌زنیم، وقتی زندگی نامه رفقای به خون تشیده را می‌خوانیم، می‌بینیم چه سان چریک می‌بالیده است که اکثریت کادرمایش از دل کارگران و رنج‌کشان برخاسته اند:

"- رفیق شهید جلیل
انفرادی کارگر کارخانجات
پارس آمریکا بود...

— رفیق شهید جواد سلاحي
سالاها شغلهايي مانند رانندگي
تاكسي و آهنگري داشت ...

رفیق شهید کاظم سعادت
از کودکی در روستا زندگی
کرده بود و ۱۲ سال معلم
روستاهای بود...

رفیق شهید بهروز
دمقانی فرزند یک کارگر

صادقی نژاد
رفیق شهید اسکندر
کارگر
میلاننگ تیراں بود...

– رفیق شهید اصغر عرب
هریسی، فرزند یک دهقان فقیر
بود و خودش در کارخانجات
تولید کار می کرد...

تقی زاده، فرزند یک دهقان
فقیر بود و خودش از بچگی در
مزرعه کار می کرد...

رفیق شہید مناف
فلکی ۱۲ سال کارگر قالی باف
بود...

— رفیق شہید احمد زبیرم
سایہا در بندر پہلوی ماہیگیر
...د

— رفیق شہید ایرج سپہری
کارگر نقاش بود...

- رفیق شہید حسن
نوروزی کارگر کارخانجات
شاہپسندو راہ آہن و یکی از



میتینگ فدائیان خلق در میدان آزادی - اول ماه مه سال ۱۳۶۰

چهل سال پس از سرکوب جنبش ملی-دمکراتیک آذربایجان

از چه رو ارتجاع هنوز هم از خشم بخود می پیچد؟

بقیه از صفحه اول

اجلاس مجلس ملی آذربایجان را برگزیده ایم که شرح برخی از دستاوردهای خلق آذربایجان در طی چهار ماه اول پس از پیروزی است. دستاوردهای شگرفی که در این مدت کوتاه و در دشوارترین شرایط فراهم آمد، سند توانایی مردم در غلبه بر

مشکلات عظیم و سند رسوایی ارتجاع ایران، حکومت پهلوی باتمام اشرف و امیرانش می باشد. ننگ این رسوایی برای همیشه بر دامن ارتجاع ایران نشسته است. پس آیا حق ندارند از یاد آوری سالهای دور هنوز هم کف بر لب آورند و هرزه بیافند؟

حکومت ملی

به خلق حساب پس می دهد

"... من فکر می کنم که بحث من نمی تواند خیلی مفصل باشد. زیرا تمام کارهایی که ملیت دولت انجام داده، با اطلاع خلق و بویژه با نظارت مستقیم اعضای مجلس ملی بعمل آمده است. بنابراین گمان می کنم که صحبت های من برای نمایندگان تازگی نخواهد داشت، فقط می تواند بصورت مختصر اشاره به آنها باشد. زمانی که ما حکومت را بدست گرفتیم، وضعیت بسیار دشوار و سنگین بود. غیر از آثار زشت و ارضیه ای منفور از دولت استبدادی چیز دیگری باقی نمانده بود. در هر صورت ما از موقع گرفتن حکومت، طبق برنامه شروع بکار کردیم و آنرا برای تصویب به مجلس آوردیم. در آن برنامه مسئله اول تشکیل حکومت ملی بود. حکومت ملی می بایست بنحوی تشکیل می شد که واقعا در ارتباط نزدیک با خلق قرار می گرفت و خلق در آن دخالت نزدیکی می داشت. ما طبق یک تشکیلات دولت را بوجود آوردیم و بخلق امکان دادیم که بوسیله انجمنهای ایالتی و ولایتی بکارهای ادارات، از جمله دارائی و بهداشتی نظارت کنند. قبلا، انجمنهای شهرداری تبدیل به تشکیلات دولتی شده بود و رئیس شهرداری نیز از طرف دولت انتخاب می گشت و بخاطر حفظ ظاهر به آن اسم انجمن داده بودند. ما امکان دادیم که این انجمنها را خلق مستقیما انتخاب کرده و در این کارها دخالت کنند. البته این کار تازه ایست و مدتی لازم است که بصورت درست کار کند و ما بصورت قاطعی این کار را انجام خواهیم داد. من بیاد می آورم که پارسال قبل از عید به خوی رفته بودم. رفقگران شهرداری لباس نداشتند و حقوق هم نگرفته بودند، می خواستند شاخه های درختی کویچه ها را ببرند و بفروشد تا حقوق رفقگران را پرداخت نمایند. من حالا باسر بلندی می توانم بگویم که اکنون کارهای شهرداری آنقدر خوب پیش

می روند که نه تنها حقوق را بموقع می پردازیم، بلکه اصلاحاتی هم در داخل شهر انجام شده است. می دانید که شهر مراغه از شهرهای مشهور ایران بحساب نمی آید، با این همه با استناد به وضع مالی خوب، انجمن شهر تصمیم گرفته است که ساختمانی برای تئاتر دولتی بنا کند. این کار بسیار پراهمیتی است، زیرا تاکنون حکومت ایران در تهران هم هنوز نتوانسته چنین تئاتر دولتی بوجود آورد. حالا خلق انجمنها را خانه و خانواده خود بحساب می آورد. زمانی که شهرداری تبریز را تحویل گرفتیم، در صندوق آن پولی وجود نداشت. اما حالا ما می توانیم در آینده نزدیک لوله کشی آب و آسفالته کردن خیابانها را عملی سازیم. ما وسایل مورد لزوم را نیز خریداری کرده ایم. تبریز اولین شهر ایران است که لوله کشی آب در آن انجام می گیرد. می خواهم

از اقدامات بهداشتی حکومت ملی آذربایجان

قبل از حکومت ملی آذربایجان، وضع بهداشت و درمان در آذربایجان دردناک بود، به طوری که در بیمارستانهای آذربایجان، تنها ۷۰ تخت خواب وجود داشت. با روی کار آمدن حکومت ملی، در مدت زمان کوتاهی ۲۰ بیمارستان جدید، با ۸۰۰ تخت خواب گشایش یافت.

بگویم که اینست نتیجه نزدیکی حکومت و خلق... مسئله دیگر، مسئله امنیت است. ما از اول گفته بودیم که تا آخرین رمق سعی خواهیم کرد که مال و جان و ناموس خلق را حفظ کنیم، زیرا با نبودن امنیت، هیچیک از تدابیر مایه نتیجه ای نمی رسد. بدین جهت در تشکیل حکومت ملی، همه سعی کردیم که امنیت آنچنانکه لازم است، تامین شود. ما حکومت ملی را در اصل برای تامین امنیت تشکیل داده ایم. دولت ملی ما از لحاظ امنیت کارهای زیادی انجام داده است. در حکومتهای گذشته، برای دهقانان که اکثریت خلق را تشکیل می دهند، هیچ گونه تامین مالی و جانی وجود نداشت. اینها نه تنها از طرف قلدورها و دزدها، بلکه از طرف مامورین و ژاندارمها نیز مورد جور و ستم قرار می گرفتند.

در زمان حکومت ملی هیچوقت مامور نمی تواند بصورت غیر قانونی بخانه کسی وارد شود. در گذشته ژوستانیان با دیدن کسی که لباس منظم و تمیزی بتن داشت، خود را پنهان می کردند. اما حالا چنین نیست. آنها سرهای خود را بالا نگه می دارند. اکنون امنیت کاملا وجود دارد و جلوی قلدورهای سرکش گرفته شده است... مسئله دیگر، موضوع اقتصاد و مالیه (دارائی) می باشد. زمانی که ما بانکها را تحویل گرفتیم، در بانک دولتی دو میلیون و صد هزار تومان، و نیم میلیون تومان هم در بانکهای دیگر موجود بود. در مقابل ۱۵ میلیون تومان ب مردم بدهکار بودند. در نتیجه تدابیر ما، حالا بیش از دو میلیون، بلکه سه میلیون از بابت طلب ب مردم پرداخت کرده ایم. بجای پرداخت ۲۵٪ مالیات به تهران، آنها به طلبکاران پرداختیم. ما از بابت پس انداز، یک میلیون تومان ب مردم دادیم. البته این امر بمرور زمان عملی شد و ما اکنون حس می کنیم که وضع

مالی بهتر شده است. در نتیجه اقدامات ما، حالا هزینه زندگی پائین آمده و قیمت اجناس ۴۰٪ تنزل کرده اند. مثلا اکنون در تبریز قیمت روغن ۲۵ تومان است، در حالیکه سالهای گذشته ۹۰ تومان بود. تخم مرغ ۲ ریالی اکنون به ۱۲ شاهی فروخته می شود. پارچه ای که در بازار متری ۹۰ تومان فروخته می شد. اکنون در

لویی سایان صدر فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری:

"خلق آذربایجان می تواند افتخار نماید که در مدت کوتاهی با غلبه بر مرتجعین و با کسب آزادی خویش حکومتی ملی و دمکراتیک مطابق با جهان امروز تاسیس نموده است. من به شما مردمی که با قیام دلاورانه خود زنجیرهای اسارت را پاره کردید - تبریکات صمیمانه فدراسیون بین المللی اتحادیه کارگری را می رسانم. من به جنبش دمکراتیک شما درود می گویم. دمکراسی که شما مستقر نموده اید مرمت بزرگی برای ملت ایران است. امیدوارم دمکراسی آذربایجان در سراسر ایران گسترش یابد."

مغازهای دولتی متری سه تومان بفروش می رسد... اکنون حساب در دستان بوده و بودجه مان نیز تنظیم گردیده است. همه می دانید که دولت ایران چند سالی است که بودجه کاملی نتوانسته تهیه نماید، تنها بودجه های ناقص یکی دو ماهه بمجلس آورده، ولی ما در این دوره بودجه کاملی تقدیم کردیم. موفقیت بزرگ ما در اینست که توانسته ایم بودجه مان را تنظیم کنیم و کسر بودجه نداشته باشیم. این کار حتی در ممالک اروپائی هم کار دشواریست. بودجه ما چند برابر بودجه ایست که از طرف دولت قبلی تهیه شده بود. در بودجه مان به استخدام بیش از هزار نفر امکان داده ایم. ما کارمندان دولت را نگاه داشته ایم تا بعد از ایجاد شغلای جدید، آنها را بکار گاریم. البته این امر نتیجه درستی سیاست مالی ما می باشد... مسئله دیگری که فکر ما را بخود مشغول داشته امر اقتصاد می باشد. ما فکر می کنیم که بعد از تشکیل حکومت ملی در آذربایجان احتکارات زیادی صورت گرفته و ممکن است که با کمبود آذوقه مواجه شویم. ما کوشش کردیم که راه خروج آذوقه از آذربایجان را مسدود سازیم. می دانستیم که این کار به ضرر بعضی اشخاص تمام می شود، ولی بگذار ۵ نفر، ۱۰ نفر ضرر کنند تا این که اهالی در وحشت گرانی بسر برند. از



از رویدادهای ایران

بقیه از صفحه ۴

حمله هوایی به سد دز

ارتش عراق اعلام کرد که روز جمعه ۲۲ آذرماه، نیرو هوایی آن کشور به تاسیسات نفتی خارک حمله کرده است. در ضمن رژیم عراق عنوان نمود که به سد دز و تاسیسات صنعتی و نفتی اهواز و رامهرمز نیز حمله کرده و یک نفتکش بزرگ را در سواحل ایران مورد حمله هوایی قرار داده است. روز سه شنبه ۱۹ آذر ماه نیز، عراق اعلام کرده بود که به یک شهرک در حوالی اهواز حمله کرده است. در مقابل ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی اعلام کرد که در هفته اخیر سه بار به تاسیسات نظامی عراق و از جمله به تاسیسات نظامی العماره حمله کرده است. جمهوری اسلامی در عین حال گزارش یک حمله در محور مرزی قصر شیرین - سرپل ذهاب را نیز منتشر ساخته است.

تبلیغات جنگی

اوج بی سابقه ای یافته است

تبلیغات گسترده حکومت پر سر "کاروانهای راهیان کربلا" که از چند هفته پیش آغاز شده بود، در هفته گذشته نیز به شدت ادامه یافت. در هفته گذشته رفسنجانی، خامنه ای، موسوی اردبیلی، موسوی نخست وزیر و مهدوی کئی پیرامون جنگ "قافله راهیان کربلا"، سخنانی ایراد نمودند.

روز سه شنبه ۱۹ آذرماه، نیروهای بسیج در یک حرکت تبلیغاتی، از میدان ولی عصر تا مجلس راهپیمایی کردند. در این اقدام تبلیغی، موتور سواران حزب اللهی و مامورین شهرداری راهپیمایان را اسکورت کردند. رفسنجانی در جمع راهپیمایان حضور یافت و طی سخنانی از فرماندهان سپاه و ارتش خواست تا از "شورای جوانان" به خوبی استفاده کنند. رفسنجانی مجدداً در نماز جمعه ۲۲ آذرماه، پیرامون جنگ سخن گفت و ضمن تهدید دگر باره بستان تنگه هرمز، مطرح ساخت که "مامی دانیم کسی و چگونه ضربه نهائی را به دشمن وارد سازیم." خامنه ای نیز خطاب به نیروهای بسیج گفت: برای ما مساله سلاح مهم نیست. مساله مهم از نظرم، مساله بکارگیری فرد استفاده کننده از سلاح است.

هزینه هنگفت مجلس شورای اسلامی

در یکی از جلسات مجلس، یکی از نمایندگان سوا فاش ساخت که در مردقیقه نزدیک به ۴۰۰ تومان خرج مجلس می شود. بایک حساب ساده، هزینه سالانه مجلس شورای اسلامی بالغ بر ۷۲۰ میلیون تومان می شود که از بودجه بسیاری از وزارتخانه ها بیشتر است.

اختیار کوتاه

* از سوی نخست وزیر، علی ماجدی بعنوان وزیر اقتصاد و دارایی و رضا آیت اللهی بعنوان وزیر معادن و فلزات به خامنه ای معرفی شده اند. این دو وزیر باید از سوی نخست وزیر به مجلس معرفی شده تا رای اعتماد بگیرند.

* آقا زاده وزیر نفت، همراه با دو تن از نمایندگان مجلس و جمعی از کارشناسان وزارت نفت برای شرکت در اجلاس اوپک، عازم ژنو شد.

* شیخ سعید شعبان رهبر سازمان توحید اسلامی لبنان وارد تهران شد. این در حالی است که یک هیئت مشترک از جنبش امل و گروه حزب الله لبنان نیز در تهران بر می برند.

* مجلس بزرگداشت دکتر غلامحسین ساعدی روز هفتم آذرماه در تهران برگزار شد. آکهی دعوت بدین مجلس، به اعضای نویسندگان، شعرا و هنرمندان معروفی رسیده که از آن جمله، عبارت اند از: مهدی اخوان ثالث، عزت الله انتظامی، سیمین بهبهانی، نجف دریابندری، سیمین دانشور، محمدعلی سپانلو، احمد شاملو، سیروس طاهباز، محمد قاضی، هوشنگ گلشیری و داریوش مهرجویی.

دکتر غلامحسین ساعدی پنجم آذرماه در پاریس درگذشت.

از رویدادهای جهان

بقیه از صفحه ۱۵

* میخائیل گارباجف دبیر کل حزب کمونیست شوروی با رابرت موگابه، رئیس اتحاد ملی آفریقایی زیمبابوه (جبهه میهنی) و نخست وزیر جمهوری زیمبابوه دیدار و گفتگو کرد. به گزارش تاس، گفتگوها در محیطی دوستانه و صمیمی انجام گرفت. همچنین نیکلای ریشکف، نخست وزیر اتحاد شوروی، به اتفاق رابرت موگابه یک قرارداد دولتی پیرامون همکاری اقتصادی و فنی امضا کردند.

* رابرت مک فازلین "مشاور رئیس جمهور آمریکا در امور امنیت ملی" از سمت خود استعفا کرد. مشاور جدید ریگان در امور امنیت ملی، دریادار جان پوپین داکتر معاون سابق مک فازلین است.

* وزیر امور خارجه هند طی یک سخنرانی در پارلمان این کشور اظهار داشت هند در صد تولید سلاح هسته ای نیست، حتی اگر پاکستان چنین سلاح هایی در اختیار داشته باشد. وی افزود با این حال، دولت هند در مورد تضمین امر مهم دفاع از کشور کوچکترین عقب نشینی نخواهد کرد. وزیر خارجه هند گفت دولت هند مدارک مشخصی دایر بر تلاش های پاکستان برای تولید سلاح هسته ای در اختیار دارد.

هزینه چاپ این شماره "اکثریت" را
رفقای فدایی در شور بزرگ آلمان فدرال
تأمین کردند

کتابهای مالی رسیده

۱۰۰ گیلدان	ر. م از هلند
۲۰ مارک	سار اوپاسمن از آلمان
۴۵۰ مارک	رفقای فدایی در بیلدف و پادربون به یاد رفیق رضی قهرمان، برای نشریه کار
۲۷/۵ مارک	دوستان سازمان در بوخوم
۱۵۳/۵ مارک	زنان هوادار سازمان در بوخوم
۵۰۹ مارک	رفقای بوخوم
۵۰ مارک	کمک مالی از شمال آلمان فدرال

این کار، ما نتیجه خوبی گرفتیم. نان و دیگر اجناس ارزان شد... در زمینه صادرات، ما برای صادر کردن اجناس با ارزش خود راه حل پیدا کردیم. ما اجناس با ارزش خود را صادر کرده و در عوض کالایی وارد می کنیم که ضروری هستند. مثلاً لاستیک، لوله برای آبادی شهرهایمان، آسفالت و چیزهای دیگر را وارد خواهیم کرد. امورات تهران در دست دزدان می باشد. یک تاجر صد هزار تومان داده و اجازه واردات می گیرد. بدین ترتیب می توانم بگویم که مادر مساله تجارت خارجی مساله گشته ایم... یکی از تدابیر مهم اقتصادی ما تقسیم اراضی است. بدینوسیله یک میلیون روستایی صاحب زمین می شوند. مایاید کشاورزی صنعتی بوجود بیاییم و با تقویت بانک کشاورزی دولتی، بعد از چهار یا پنج سال امکان چند برابر شدن محصولات کشاورزیمان را فراهم آوریم... یکی دیگر از مسائل اقتصادی نیز، مساله صنایع است. قبل از تشکیل حکومت ملی، کارخانه های مهم تعطیل و بادر خطر تعطیلی بودند. ما در عرض ۲-۴ ماه راه اندازی آن ها را تأمین کردیم و حالا همه شان کار می کنند. این کارخانه ها در اثر دزدی و خیانت بسته شده بود. مثلاً پشم ۵۱ تومان خریداری کرده و به کارخانه ۱۵ تومان فروخته بودند. اکنون کارخانه های ما هم از لحاظ کمیت و هم از لحاظ کیفیت نسبت به سابق محصول بیشتری تولید میکنند. ما کوش کردیم که در درجه اول به کار ماشین و صنعتی و بعد در درجه دوم به کارهای دستی (صنایع دستی) بپردازیم. این کار دشوار است. ولی دولت ما بر این مشکلات فائق خواهد آمد...

از اقدامات فرهنگی

حکومت ملی آذربایجان

- زبان آذری، زبان رسمی دولتی و فرهنگی اعلام شد. کتب درسی به زبان مادری برای مدارس ابتدایی و متوسط و دانشگاه تهیه و مجانی در اختیار دانش آموزان و دانشجویان قرار گرفت.

- شبکه مدارس در نقاط مختلف آذربایجان گسترش یافت.

- دانشگاه تبریز گشایش یافت.

- کتابخانه ها و قراآت خانه های بسیاری در اکثر نقاط آذربایجان افتتاح گردید.

- ۵۰ روزنامه و مجله در آذربایجان انتشار یافت.

- رادیو تبریز تأسیس شد.

- جمعیت شاعران و ادیبان آذربایجان تشکیل شد.

- ادارات هنرهای زیبا، تلنتر دولتی، ارکستر ملی و فیلارمونی آذربایجان افتتاح شد.

فلسطین:

خودمختاری در چارچوب اردن یا کشوری مستقل؟

می‌دهد.

علاوه بر خواست امپریالیسم آمریکا، برای ملک حسین انگیزه‌های دیگری نیز در انکار حقوق تاریخی خلق فلسطین وجود دارد. اردن مانند همه کشورهای که راه رشد سرمایه‌داری را می‌پیمایند، دچار تحولاتی شده است. بورژوازی کمپرادور در این کشور نیز نفوذ فزاینده‌ای یافته است. دربار اردن آینده سیاسی خود را در تحکیم اتحاد با این طبقه می‌بیند. طبقه‌ای که بدون میلیون‌ها دلار سرمایه امپریالیستی قادر به ادامه حیات نیست.

نزدیک به ۵۰ درصد بودجه دولتی اردن، توسط کشورهای خلیج و آمریکا تأمین می‌شود. اقتصاد وابسته اردن عملاً ورشکسته است، مگر آنکه با

الحاق کرانه حاصلخیز غرب رود اردن، حیات تازه‌ای در آن دمیده شود. تحولات سیاسی چند ماه گذشته اردن، که بارزترین نمود آن تعویض نخست وزیر و تشکیل کابینه‌ای با ۱۱ وزیر فلسطینی (از ۲۳ وزیر) بود، نیات ملک حسین را مبنی بر زمینه چینی برای تصرف فلسطین آشکار ساخت.

پادشاه اردن، که در سال ۱۹۷۵ به نشانه پذیرش استقلال فلسطین، پارلمان اردن را که نمایندگان کرانه غربی نیز در آن عضویت داشتند، تعطیل کرد، اینک پس از گذشت ده سال دوباره این مجلس را با حضور همان نمایندگان افتتاح کرده است. ارتجاع اردن، ادامه حکومت خود را در به دست آوردن لقمه چرب و نرمی بنام کرانه غربی می‌بیند. و در این راه حاضر است "سهم شایسته"‌ای برای بورژوازی فلسطین در نظر بگیرد.

این بورژوازی، چه در زمان سپهر اردن بر کرانه غربی (۱۹۴۸ تا ۱۹۶۷) و چه از ۱۹۶۷ بدین سو، که این منطقه تحت اشغال اسرائیل است، در سازش با نیروی حاکم به "کسب و کار" خود ادامه داده است. میان سرمایه‌داران فلسطین و ارتجاع اردن، در دوره ۱۹ ساله حاکمیت اردن در کرانه غربی روابط مستحکمی برقرار شد و تا امروز نیز این روابط با استفاده از مرزهای باز میان این منطقه و اردن، حفظ شده است. از اینرو آنان، بیشترین استقبال را از "موافقتنامه امان" که ده ماه پیش میان ملک حسین و یاسر عرفات منعقد شد، به عمل آوردند.

ملک حسین چه می‌خواهد؟

ارتجاع عرب، از خاندان سلطنتی عربستان سعودی گرفته تا دربار اردن، هیچگاه دوست جنبش ملی فلسطین نبوده است. اگر کمک‌هایی هم از سوی این کشورها به ساف داده می‌شود، تحت فشار مردم کشورهای عربی و برای کسب وجهه است. ارتجاع عرب دشمن اصلی خود را نه اسرائیل، که نیروهای ترقیخواه جهان عرب می‌داند. شیوخ و پادشاهان عرب، میان رشد و گسترش این جنبش و استحکام پایه‌های حکومت خود نسبتی معکوس می‌بینند، و از همین رو مایلند تا هر چه زودتر کلک "قضیه فلسطین" کنده شود و جنبش‌رهایی بخش عرب، به زعم آنها انگیزه مهمی را برای مبارزه از دست بدهد.

در میان ارتجاع عرب، دولت پادشاهی اردن و شخص ملک حسین موقعیت ویژه‌ای دارند. ملک حسین که توسط انگلیس‌ها بر تخت نشاندۀ شد، کسی است که اعتماد دائمی امپریالیست‌ها را به همراه دارد. اسناد مربوط به حقوق گرفتن او از سازمان سیا، چند سال قبل منتشر شده بود.

وجود چنین شخصی در رأس حاکمیت کشور اردن است که الحاق فلسطین را به اردن از نظر امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها معقول و مطبوع جلوه می‌دهد. اگر چه در میان خلق فلسطین نسبت به ملک حسین از جمله بخاطر کشتار هولناک تل زعتر نفرتی نازدودنی وجود دارد، اما حضور نیروهای راست در صفوف جنبش ملی فلسطین به امپریالیست‌ها دلگرمی

یک کشور مستقل، در شرق و غرب رود اردن ایالات خودمختاری تشکیل دهند. این همه به شرطی است که قبلاً موافقتنامه صلح میان دولت اسرائیل و دولت اردنی - فلسطینی امضا شود.

پیش از او ریگان رئیس جمهور آمریکا نیز در سال ۱۹۸۲ در توضیح "لرح صلح" معروف خود چنین راه حلی را خواستار شده بود: "نگاهی به آینده کرانه غربی رود اردن و نوار غزه پس از دوره گذار، به نظر من روشن می‌سازد که صلح از طریق تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی در این مناطق تأمین نخواهد شد... ایالات متحده قویاً معتقد است خودمختاری فلسطینی. هادر اردن غربی و نوار غزه در اتحاد با اردن بهترین امکان را تشکیل می‌دهد."

هدف عمده فعالیت‌های دیپلماتیک آمریکا که در دوره‌های کوناگون فلیپ حبیب، مک فارلین و ریچارد مورفی به عنوان سفیر ایستادگی کرده‌اند، تحقق همین "طرح ریگان" است. دولت آمریکا این طرح را ادامه "روند کمپ دیوید" می‌داند. محتوای اصلی این روند چیست؟

در کمپ دیوید برای اولین بار آمریکا موفق شد یک کشور عربی را بطور جداگانه پایبند معاهده‌ای با اسرائیل نماید. مصر، بزرگترین و نیرومندترین دولت عربی، بر اثر خیانت سادات بدین راه کشیده شد. از کمپ دیوید بدین سو، "دیپلماسی پان‌دول" و اشنگتن اردن را نشانه رفته است. اگر آمریکا موفق شود کمپ دیوید دومی - این بار با شرکت اسرائیل و اردن راه بیندازد، گام مهمی در جهت تحکیم مواضع نو استعماری خود در منطقه خاور نزدیک بر داشته است. لازمه چنین "صلح" آمریکایی، آن است که دولت مستقل فلسطینی تشکیل نشود. تشکیل چنین دولتی، به مثابه یک عقب نشینی تاریخی در برابر مبارزات خلق‌ها، ابعاد و آثاری جهانی خواهد داشت. بنابراین سیاست آمریکا، در وهله اول متوجه آن است که باره حل‌هایی نظیر خودمختاری در چارچوب اردن، در صفوف مبارزه ملت فلسطین برای دولتی مستقل، خلل وارد آورد. امپریالیسم آمریکا در این تلاش روی ارتجاع عرب حساب می‌کند.

روز هشتم ماه جاری (۲۹ نوامبر)، روز همبستگی بین‌المللی با خلق فلسطین بود. در حالیکه امسال نیز نیروهای ترقیخواه و صلح‌دوست سراسر جهان، در این روز بر حمایت خود از مبارزه ملت عرب فلسطین برای تشکیل دولت مستقل تأکید دوباره کردند، تلاش‌های امپریالیسم صهیونیسم و ارتجاع عرب برای به سازش کشیدن جنبش ملی فلسطین و عقیم گذاردن دستاوردهای مبارزات آن، ادامه دارد. بدین مناسبت، نگاهی گذرا داریم به موقعیت کنونی جنبش فلسطین و موانع راه آن.

دهها سال مبارزه خلق عرب فلسطین در راه احقاق حقوق ملی‌اش، و در رأس آن، حق تشکیل دولت مستقل، موقعیتی را به وجود آورده که هیچ‌گونه پیشرفتی در باز کردن کلاف سردرگم خاور نزدیک حاصل نخواهد شد مگر آنکه به خواست بر حق ملت فلسطین پاسخ داده شود. مضافاً بر اینکه در عرصه جهانی، جبهه بر قدرت نیروهای صلح و ترقی، و در رأس آن اتحاد شوروی، پشتیبان خلق‌های عرب در مقابله با تجاوزات امپریالیسم صهیونیسم است.

بنابراین، برای هیچ نیروی سیاسی و هیچ کشوری، امکان گذاشتن از کنار مسئله فلسطین وجود ندارد. البته در اسرائیل، احزابی فاشیست ماب و افراطی هستند که اصولاً منکر وجود مسئله‌ای بنام "فلسطین" می‌شوند. آنها می‌گویند اسرائیل نه تنها نباید سر زمینهای اشغالی را تخلیه کند، بلکه باید همچنان بدنبال تشکیل "دولت بزرگ یهود" از نیل تا فرات باشد. اما همه محافل حاکمه این کشور چنین روشی را تبلیغ نمی‌کنند، آنها برای تدفین حقوق ملی فلسطینی‌ها و تمامی خلق‌های عرب منطقه، ارتجاع عرب را متحد خود می‌دانند.

آمریکا و اسرائیل:

فلسطین باید به اردن ملحق شود

اسحاق رابین، وزیر دفاع اسرائیل راه حل "مسئله فلسطین" را چنین می‌بیند: "راه حلی وجود ندارد جز در ارتباط با اردن، راه حلی که به اسرائیل امکان تحکیم مرزهای امنیتی آن با اردن را بدهد و حاوی استرداد بخشهایی از کرانه غربی (رود اردن) و غزه و وحدت آنها با اردن باشد، با یک پرچم، یک ارتش و یک پایتخت: امان. مخالفتی هم ندارم که اردنی‌ها و فلسطینی‌ها تصمیم بگیرند در درون



ملک حسین در حال کرنش به ریگان
آیا کمپ دیوید دومی در پیش است.

موافقتنامه امان چیست ؟

موافقتنامه امان حاوی مواد زیر است :

۱ - اصل "زمین در برابر صلح" در معامله با اسرائیل.

۲ - تشکیل کنفدراسیون اردنی - فلسطینی مقدم بر تحقق حق تعیین سرنوشت فلسطینی ها.

۳ - حل مسئله "آوارگان" فلسطینی بر پایه قطعنامه های سازمان ملل

۴ - "حل مسئله فلسطین در تمام جوانب آن".

۵ - تشکیل کنفرانس بین المللی درباره مسئله خاور نزدیک.

به غیر از مورد ۴ که حاوی فرمول بندی کشاد و مبهمی است، و نیز مورد ۵، موارد اصلی موافقتنامه، یعنی بندهای ۱ تا ۳ آن، ناقض حقوق ملی خلق فلسطین و پلا تفرم ساف است، زیرا:

اولا - جوهر و هسته اصلی موافقتنامه، همان اصل "زمین در برابر صلح" طرح ریگان است. طبق این اصل، اعراب می بایستی در برابر باز پس گرفتن اراضی اشغالی در سال ۱۹۶۷، با اسرائیل پیمان صلح امضا کنند. آنچه در این میان، محلی از اعراب ندارد، سرنوشت خلق فلسطین است.

ثانیا - راه حل عادلانه آن است که نخست دولت مستقل فلسطینی تشکیل شود، آنگاه ملت فلسطین آزادانه انتخاب کند که آیا حاضر به تشکیل "کنفدراسیون" با اردن هست یا نه. موافقتنامه امان، راه معکوسی پیش بینی می کند: نخست کنفدراسیون، آنگاه حق تعیین سرنوشت. چه تضمینی برای "انتخاب آزادانه" پس از وحدت با اردن هاشمی وجود دارد؟

ثالثا - قطعنامه های سازمان ملل درباره "آوارگان فلسطینی" به حقوق ملی این "آوارگان" نمی پردازد. به حق آنها برای بازگشت به سرزمینشان و داشتن دولتی مستقل، اشاره ای نمی کند. این قطعنامه ها را نمی توان رمزگشای همه خواستهای خلق فلسطین دانست.

پاسر عرفات با انعقاد موافقتنامه امان تعهدات خود در قبال نیروهای ملی فلسطین را زیر پا گذاشت. در تیرماه ۱۳۶۲، میان الفتح و اتحاد دمکراتیک (متشکل از حزب کمونیست فلسطین، جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین، جبهه خلق برای آزادی فلسطین و جبهه

آزادی بخش فلسطین) موافقتنامه ای به امضا رسید که به موافقتنامه عدن - الجزیره مشهور است. موارد اصلی این موافقتنامه همان مصوبات اجلاس شانزدهم شورای ملی فلسطین (منعقد در الجزایره، بهمن ۱۳۶۱) بودند که عبارت است از تشکیل دولت مستقل فلسطینی در کرانه غربی رود اردن و نوار غزه، تجدید نظر در روابط عرفات با اردن و مصر و احیای مناسبات با سوریه.

هر سه این موارد تعهد، نافی موضع کنونی رهبری الفتح و شخص عرفات است. رهبری الفتح، نه تنها به جای خواست "تشکیل دولت فلسطینی"، "کنفدراسیون با اردن" را گذاشته، بلکه از تاکید بر نقش "ساف" به مثابه تنها نماینده قانونی خلق فلسطین عملا چشم پوشی کرده و این نقش را به ملک حسین، عامل کشتار سیپتامیر سیاه سپرده است.

رفیق تیسیر، عضو دفتر سیاسی جبهه خلق برای آزادی فلسطین، در مصاحبه فروردین ماه خود با "اکثريت"، ضمن اشاره به این عملکرد راست روانه و سازشکارانه جناح عرفات، گفت: "ما در این مرحله سعی داریم که یک جبهه وسیع ملی از تمام قوای ملی و مترقی و شخصیت های برجسته ملی برای مبارزه بخاطر برانداختن این پیمان و بازگشت "ساف" به صف نیروهای ملی تشکیل دهیم".

نیروهای ترقیخواه فلسطینی، در این مبارزه خود به حمایت وسیع توده ها متکی هستند. مردم فلسطینی ساکن کرانه غربی رود اردن، که با پوست و گوشت خود مزه حکومت دربار اردن را چشیده اند، یکپارچه علیه موافقتنامه امان دست به اعتراض زدند. اتحادیه های کارگری، سازمان های زنان، جوانان، دانشجویان و ... در گردمایی ها، تظاهرات، مخالفت خود را با این موافقتنامه اعلام نمودند.

تشکیل چنین جبهه نیرومندی علیه مشی عقب نشینی از مواضع جنبش ملی فلسطین و جنبش رهایی بخش ملی خلق های عرب، نشان داد که امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع عرب قادر نیستند اراده خود را به ملل عرب تحمیل کنند. همانگونه که قرار داد کمپ دیوید به بن بست رسید، همانگونه که معاهده اسرائیل - لبنان لغو شد، همانگونه نیز انواع و اقسام "لرح" ها و "موافقتنامه" هایی که علی رغم اراده و خواست ملت فلسطین تنظیم می گردد، شکست خواهد خورد.

در آستانه پانزدهمین سالگرد اعلام موجودیت سازمان

فدائیان و جنبش کارگری

بقیه از صفحه ۹

بود که هدایت کردن را فرا گرفتیم و آموزانیدیم.

شبهه های تشکیلات با سرعت در همه کارخانه ریشه دواندند. جوانها در کنار پیروها قرار گرفتند. تشکیلات در میان کارگران ریشه دار شد. بسیج کردن در سال های ۵۷ و ۵۸ کار مشکلی نبود. در ۵۸ و نیز ۵۹ ارتجاع هنوز چندان نمی توانست قدر قدرتی کند. ما درست همان هنگام که ارتجاع شتیر را از روست به آزمون شگرفی دست زدیم: بسیج طبقه کارگر حول یک مسئله بارز طبقاتی، یعنی مقابله با قانون کار ارتجاع. این دیگر حرکت در این یا آن کارخانه در سال ۵۸ نبود، حرکتی بود در کل طبقه. ما این بسیج را با موفقیت به انجام رساندیم. این بسیج موفقیت آمیز نشان داد که فدائیان در دل جنبش کارگری جا دارند، آنها نه در حرف که در عمل پیشاهنگ طبقه هستند.

بقای رزمنده

نه شاه توانست ما را نابود سازد و نه خیمینی. آن هنگام سلاح، تهر و ایمان به راه ضامن بقایمان بود و اینک بقای رزمنده ما در درجه نخست، از طریق پیوند عمیقمان با طبقه کارگر و توده ها تضمین می شود. ما با تعرض آغاز کرده ایم و همواره به اصل تعرض، به اصل همه چیز از جمله دفاع و عقب نشینی در خدمت حمله، وفادار مانده ایم. ما اگر یک سکت کوچک بودیم، خیمینی به راحتی نابودمان می ساخت و در بهترین حالت، تنها وجودمان را به یک نشریه کم برد تفسیرگر و نه تغییرگر محدود می کرد. اما زنده ایم و می رزمیم. طبقه کارگر است که ما را زنده نگه داشته و زنده و رزمنده می خواهد.

شبهه تشکیلاتی ما در کارخانه های کوچک و بزرگ کشور فعالیت خود را پیش می برد. رفقای کارگر ما در حرکت های مختلف کارگری نقش ارزنده ای را ایفا می کنند. هم اینانند که اخبار حرکت های کارگری را در سطح جنبش بازتاب می دهند. انتشارات و تبلیغات سازمان در درجه نخست در خدمت جنبش کارگری است.

سازمان ما قریباً بر این باور است که بدون هژمونی پرولتاریا از هیچ گام اساسی به سوی جلو، نمی توان سخنی گفت. برقراری این هژمونی میسر نمی گردد مگر این که طبقه کارگر سازمان یابد، آگاهی خود را تعمیق بخشد، به توده ها بیاموزاند و از مرحله اشگریری از جنبش عمومی خلق علیه ارتجاع به مرحله اثر بخشی بر این جنبش گام بگذارد. ما در این راستا می رزمیم و تمام توان سیاسی، تبلیغی، ترویجی و تشکیلاتی خود را در راه تحقق این هدف قرار می دهیم. ما در این مسیر تا کنون دستاوردهای بسیار داشته ایم، اما هنوز برای تدارک نبرد قطعی باید بسیار تلاش کنیم. ما معنای این وظیفه موکد و عاجل را عمیقاً می شناسیم که:

"جنبش توده ای کارگری، میدان اصلی فعالیت انقلابی سازمان است و سازماندهی و ارتقا جنبش کارگری در صدر وظایف آن قرار دارد."

(از قطعنامه پلنوم مهر ماه ۱۳۶۲ درباره اوضاع سیاسی، جنبش توده ای و وظایف ما)

استقبال مطبوعات غرب از انتصاب منتظری

همگی کمر خدمت به کلان سرمایه داران بسته اند، منتفی مسئله رسانه های غربی این است که آنها می کوشند در هر فرصتی، دوستی خود با جمهوری اسلامی را به عنوان پاداش خوش خدمتی های این رژیم نشان دهند. انتصاب منتظری هم برای آنها، بهانه ای است تا از رژیم خویش و چنایتکار جمهوری اسلامی، دفاع کنند

بقیه از صفحه اول منتظری نه سلسل بدست خطبه نماز جمعه می خواند، نوشته است نباید گول ظاهر را خورد، زیرا منتظری گویا برخلاف خیمینی "میان رو" است و از همه مهمتر، به بازار و سرمایه داران نظر لطف دارد. "پولتیکیکن" چاپ دانمارک نیز بر دفاع منتظری از بخش خصوصی تاکید کرده است. البته سران جمهوری اسلامی

مصاحبه اکثریت با رفیق اینگناسیو کایگو، دبیر کل حزب کمونیست (اسپانیا)

در این مبارزه مادر کنار شما هستیم

بقیه از صفحه اول

انترناسیونالیسم پروولتری در این حزب گرد آمده اند، مبارزین ثابت قدم علیه میلیتاریسم و سیاستهای ضد کارگری و ضد مردمی هستند که دولت اسپانیا پیش می برد. آنها در این مبارزه، از کوله بار تجربه غنی دهها سال مبارزه با فاشیسم و دیکتاتوری فرانکو بر خور دارند.

چندی پیش، رفیق اینگناسیو کایگو دبیر کل حزب کمونیست (اسپانیا) در مصاحبه ای با خبرنگار "اکثریت" شرکت جستند که ما ضمن تشکر از ایشان، متن آن را به چاپ می رسانیم.

* عمده ترین مشخصات اوضاع سیاسی - اجتماعی جاری اسپانیا و سیاستهای دولت کدامند؟
* سیاستی که دولت سوسیالیست اعمال می کند، سیاستی است عمیقاً ناقض منافع زحمتکشان و مردم اسپانیا. این سیاست، با ورود اسپانیا به بازار مشترک جبراً بدتر خواهد شد.

مبارزه طبقاتی که هم اکنون از سوی کارگران در رویارویی با سرمایه داران و دولت پیش برده می شود، قبل از هر چیز متوجه جلوگیری از کاهش قدرت خرید کارگران است. سیاست اجتماعی دولت، به هیچ یک از مسائلی که می بایست حل کند، پاسخ نداده است. دولت با اعمال این سیاست، به هیچ یک از وعده هایی که هنگام انتخابات، قول انجام آنها را داده بود، عمل نکرد. و امروز، این سیاست در کشور رفته رفته با پاسخی بسیار گسترده روبرو می شود. از آن جمله است اعتصاب عمومی کارگران در بیستم ژوئن امسال به مدت یک روز، که در آن بیش از سه میلیون کارگر شرکت کردند، و یا تظاهرات همه روزه دمقنان و کارگران کشاورزی. دولت، سیاست خود را با طرح وجود "بحران" توجیه می کند، سیاستی که فقط حافظ منافع شرکتیهای چند ملیتی و سرمایه داران بزرگ به بهای پایمال کردن منافع ملی اسپانیاست.

ما معتقدیم مبارزاتی که در جریان است، اعتراضات زحمتکشان، آغاز شرکت فعال جوانان - که محکوم به بیکاری بوده و آینده روشنی در برابر خود نمی بینند - در مبارزات اجتماعی، همراه با مجموعه نیروهایی که علیه ورود اسپانیا به پیمان ناتو

ناتو وارد عمل شده اند، کل راه درستی برای به کرسی نشاندن یک دگرگونی در سیاست اسپانیاست. در اسپانیا که کشوری است کمابیش پیشرفته، سه میلیون بیکار وجود دارد. منطقه ای در اسپانیا هست که هشت میلیون انسان در شرایط بسیار اسف انگیزی در آنجا زندگی می کنند. چند میلیون گرسنه داریم. هر چند کسی در شرایط اسپانیا از گرسنگی در خیابان نمی میرد، اما گرسنگی هست. هر ناظری می تواند در مادرید و یا شهرهای بزرگ دیگر اسپانیا آن را مشاهده کند. کشور ما کم کم به داشتن هزاران و صدها هزار گدا، فقرایی که از حداقل وسایل گذاران زندگی محرومند، مشهور می گردد.

* در مبارزاتی که بدان اشاره داشتید، نقش نیروهای مرفقی، و به ویژه حزب کمونیست را چگونه می بینید؟

* حزب کمونیست، همانگونه که مطبوعات نیز بدان معترفند در راس اعتصاب عمومی کارگران و سازمانده آن بود. حزب کمونیست، از ابتدای تشکیل خود، پرچم مبارزه علیه پیمان ناتو را برافراشته، در راهپیمایی ها به سوی پایگاه آمریکادر تورخون (نزدیک مادرید) شرکت جست و بدان تحرک چشم گیری بنشید. این راهپیمایی ها، هر بار گسترده تر شدند. همچنین در تظاهرات علیه دیدار ریگان ما شرکت فعال داشتیم که این امور مورد اعتراف رسانه های گروهی نیز قرار گرفت. حزب ما هنوز در مرحله سازماندهی تشکیلات خود است، اما این سازماندهی را با پیوند تنگاتنگ با مبارزات توده ها انجام می دهد. حزب ما، با تلاش بالنده خود که سرشار از امید به آینده است، خواستهای میلیونها اسپانیایی را که از زندگی کنونی راضی نیستند، بازتاب می دهد.

* نظر شما درباره پیشنهاد های اخیر اتحاد شوروی پیرامون خلیع سلاح چیست؟

* ما قویاً اعتقاد داریم باید مسابقه تسلیحاتی بر روی زمین را متوقف ساخته و از آغاز آن در فضا جلوگیری کرد. در این راستا، مبارزه با سیاست امپریالیسم آمریکا که خواهان ادامه مسابقه تسلیحاتی است، ضروری است.

پیشنهادهای اخیر اتحاد شوروی که از سوی میخائیل گاربایف اعلام گردید، مرا مانند هر صلحدوست دیگر خشنود ساخت اما متعجب نکرد. ما بار دیگر در برابر پیشنهاد های مشخص اتحاد شوروی، که متوجه کاهش حذف موشکهای نشانه رفته به سوی اروپا است، در برابر گام های یکجانبه شوروی در زمینه کاهش سلاحهای اتمی و غیره، با جواب همیشه دولت آمریکاروبرو هستیم که تکرار می کند: "باور نمی کنیم". این، بیاتر آن است که دولت آمریکا در عرصه سیاسی در موضع دفاعی قرار گرفته است. در اروپا و در سراسر جهان، پیشنهاد های شوروی بازتاب گسترده ای داشته اند. مسافرت رهبر شوروی به فرانسه، میلیونها اسپانیایی را که هنوز در رابطه با نیت صلحدوستانه اتحاد شوروی در تردید بسر می بردند، قانع و مطمئن ساخت، به میلیونها تن از مردم المپینان داد که اتحاد شوروی مایل به متوقف کردن کامل مسابقه تسلیحاتی و تضمین صلح است. پیشنهاد های شوروی، موقعیت جدیدی را در کشور ما به وجود آورد.

* جنگ ایران و عراق، هر روز قربانیهای تازه ای می گیرد و ویرانیهای تازه ای به بار می آورد. نظر شما در این باره چیست؟

* این جنگ باید هر چه زودتر پایان یابد. جنگ ایران و عراق برای خلقهای دو کشور بسیار زیان بار بوده است و بیشترین سود را از ادامه آن، امپریالیسم آمریکایی برد.

به گمان من، فجایع و مصائب جنگ بی شمار است. اما جنبه ای را که نمی توان در ارتباط با آن از یاد برد، سرکوب شدید نیروهای ترقیخواه و نیروهای پیشرو است و سرکوب

فدائیان و توده ای ها که نماینده منافع خلق هستند. به عبارت دیگر، رژیم ایران، علیه نیروهای مرفقی و انقلابی این کشور، علیه میهن پرستان، علیه کسانی که خواهان پیشرفت کشورشان هستند نیز در جنگ است.

امروز، جز بسیار مهمی از مبارزه عمومی در راه صلح، بیکار برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق است. خاتمه دادن به چنین جنگی، باید به آزادی کامل زحمتکشان هر دو کشور منجر شود تا خلقهای ایران و عراق بتوانند آزادانه در راه سازندگی و ترقی کشورشان گام نهند.

* امروز، زندانیهای ایران ملو از زندانیان است. رژیم جمهوری اسلامی برای این میهن پرستان مرتبا احکام اعدام یا زندانیهای طویل المدت صادر می کند. برای نمونه می توان از احکام اعدام علیه اعضای کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران نام برد. نظر شما در این باره چیست؟

* چنین وضعیتی، شرایطی را که مادر اسپانیا با آن مواجه بودیم به یاد می آورد؛ زندانیهای ملو از زندانیان کمونیست و سایر میهن پرستان و دمکراتها، ماصمیمانه ترین و گرمترین مراتب همبستگی خود را با انقلابیون در بند رژیم خمینی اعلام می داریم. ما اخبار جنایات رژیم ایران را به گوش مردم اسپانیا می رسانیم. هدف ما آزادی همه این اسرا و پایان دادن بدین دمدنشی هایی که علیه دمکراتهای ایران اعمال می گردد، است. باید برای آزادی زندانیان سیاسی ایران مبارزه کرد. در این مبارزه مادر کنار شما هستیم.

رژیم، فساد فراگیری خواهد

مردمی چنان بود که حتی همان رفسنجانی نیز به آن اعتراف کرد. او در ماه جاری در مصاحبه ای با مجله "زن روز" (۹ آذر) شرکت کرد تا به "مسائلی که بوجود آمده" و به "عکس العمل های ناسازگار" پاسخ گوید. پاسخ او چیست؟ تکرار همان سخنان مهوع، چیز این هم نمی توانست باشد. شیطان را از تبلیغ گناه گریزی نیست؛ رفسنجانی و همپالکی هایش هم شیاطین لانه کرده در میهن ما هستند که گسترش فراگیر فساد را می خواهند. وجود آنان میهن ما را آلوده کرده است. پالایش میهن از فساد در گرو زدودن میهن از آلودگی رژیم جمهوری اسلامی است.

بقیه از صفحه اول

کراحت این اندیشه و گفتار، موجی از انزجار در میان مردم در سراسر کشور برپا کرد. چه زنان و چه مردان نسبت به این اهانتی که رئیس مجلس به آنان روا داشته بود، واکنش نشان دادند. در همه مکان ها و مجامع، چه در اداره و کارخانه و چه در محافل خانوادگی و... مردم آشکارا و باخشم نسبت به این سخنان شنیع ابراز بیزارگی کردند؛ بگونه ای که حتی وقیح ترین مبلغ و مدافع رژیم نیز جرات نکرد به پشتیبانی از آن برخیزد.

گسترده گی و پایداری اعتراضات

اعتصاب (۱ هزار کارگر بنادر در شیلی)

از روز سیام اکتبر، حدود ۱۰ هزار کارگر بنادر شیلی در اعتصاب به سر می‌برند. خواست‌های کارگران اعتصابی عمدتاً اقتصادی است. کارگران خواهان آنند که امر کاربایی برای کارگران بنادر توسط سندیکاهای کارگری انجام گیرد و نه سرمایه‌داران. قبل از روی کار آمدن دیکتاتوری پینوشه در شیلی، سندیکاها این وظیفه را برعهده داشتند اما رژیم پینوشه با تصویب قانونی آن را جزو اختیارات کارفرمایان درآورد. کارگران همچنین خواهان افزایش دستمزد از ۱۵۰۰ پزو، یعنی ۷/۵ دلار در هر شیفت به ۴۰۰۰ پزو (۲۰ دلار) در شیفت هستند.

اعتصاب کارگران بنادر، اقتصاد شیلی را دچار اختلال کرده، زیرا از پانزدهم نوامبر، فصل صدور میوه آغاز شده است. سرمایه‌داران شیلی خسارات ناشی از این اعتصاب را روزانه ۵۰۰ هزار دلار تخمین می‌زنند. لازم به تذکر است ۹۸ درصد صادرات و واردات شیلی از طریق بنادر انجام می‌گیرد.

وضع کار و زندگی کارگران بنادر شیلی بسیار دشوار است. به ازای هر شغل، چهار کارگر وجود دارد که اجازه مخصوص دولت برای کار در بنادر را دارند. بدین ترتیب، سرمایه‌داران قادرند از میان ارتش بیکاران، ارزان‌ترین نیروی کار را انتخاب کنند و دستمزدها را در سطح بسیار پایینی نگه دارند. به هر کارگر، بیش از ۵ یا ۶ شیفت در ماه نمی‌رسد. یعنی هر کارگر دستمزد ماهانه‌ای در حدود ۸ هزار پزو (۴۰ دلار) بیشتر ندارد. ۷۰ درصد خانواده‌های

کارگری بنادر شیلی از داشتن برق به علت قیمت بالای آن محرومند. خودکشی، سوختگی و فحشا بیداد می‌کند. این وضع فلاکت بار، کارگران را بر آن داشت تا دست به اعتصاب زنند. ۱۷ سندیکای کارگران بنادر برای این اعتصاب متحد شده‌اند.

مانع حل "مساله افغانستان" کیست؟

روزنامه شوروی پروادا در تفسیری پیرامون گزارش‌های مطبوعات آمریکا دایر بر اعطای ۴۷۰ میلیون دلار از سوی ایالات متحده به اشرار افغانی در سال آینده مسیحی، می‌نویسد:

واشنگتن مرتباً ادعا می‌کند که خواهان حل هر چه زودتر "مساله افغانستان" است. اگر چنین است، چرا واشنگتن همچنان به رساندن کمک‌های مالی جدید به اشرار افغانی، یعنی به عبارت دیگر، نفت ریختن به روی آتش ادامه می‌دهد، آن‌هم در شرایطی که کابل برای همکاری وسیع ملی در خدمت منافع کل خلق و بازسازی ملی اعلام آمادگی کرده است؟

بدیهی است چنین راهی به حل مسالمت آمیز ختم نمی‌شود. ایالات متحده با تامین مالی و حمایت از اشرار، همه کوشش‌ها برای عادی ساختن اوضاع در این "کانون بحرانی" را عقیم می‌گذارد. اما اتحاد شوروی برخلاف آمریکا مصراً به دنبال یک راه حل سیاسی برای اوضاع پیرامون افغانستان است. ما می‌خواهیم همسایه ما، افغانستان، کشوری مستقل و غیرمتحد باشد و تضمین لازم برای عدم مداخله در امور آن فراهم آید. در چنین شرایطی، علت حضور نیروهای شوروی در آن کشور برطرف خواهد شد.

آزادی ۱۲ رهبر ابو زسیون در آفریقای جنوبی

سیاهپوست خود را به درون سازمان‌های سیاهپوستان نفوذ داده و از طریق آنان، با سوءاستفاده از اختلافات قومی، مانع عمل مشترک علیه آپارتاید گردد. این عوامل، از جمله تلاش می‌کنند تا ظاهر کنندگان را به آتش زدن اماکن وادارند. هفته گذشته در جریان مواردی از حوادث اینچنینی، در پورت الیزابت و چند شهر دیگر چهار نفر به قتل رسیدند.

در تشییع جنازه یازده تن از افرادی که اخیراً به دست پلیس رژیم نژادپرست در شهرک فقیر نشین کوئینز تاون واقع در نزدیکی پورت الیزابت به قتل رسیدند، بیش از ۲۰ هزار نفر شرکت کردند. با وجود محاصره شهرک توسط افراد تا دندان مسلح پلیس، پیشاپیش صف تشییع کنندگان، چند جوان سیاهپوست با لباس رزم و مسلسل‌های جویین، رژه می‌رفتند تا عزم راخ مردشان به مبارزه بی‌امان با نژادپرستان را نشانگر باشند. در جریان این تشییع جنازه، الیاجا بارایی، رهبر فدراسیون سندیکایی جدید التماس "کساتو" (که خبر بنیانگذاری آن در شماره پیش "اکثریت" آمد) خواهان لغو ممنوعیت کنگره ملی آفریقا و آزادی نلسون ماندلا شد.

جی نایدو، دبیر کل "کساتو" طی مصاحبه‌ای با نشریه "سندی میل" چاپ زمبابوه گفت فدراسیون سندیکایی جدید مهمترین وظیفه خود را مبارزه برای جامعه‌ای می‌داند که در آن، ثروت‌های ملی عادلانه میان تولیدکنندگان آن توزیع شود. وی افزود شکل‌گیری این فدراسیون، گام مهمی در تاریخ جنبش کارگری آفریقای جنوبی است.

بیورش رژیم پاکستان به قباایل پشتو

رژیم نظامی ضیا الحق بیورش وسیعی علیه قباایل پشتو که در شمال غربی کشور، واقع در حوالی گذرگاه "خیبر" سکونت دارند، آغاز کرده است. گزارش‌های رسیده از این منطقه حاکی است مقامات نظامی اسلام‌آباد، برای سرکوب جنبش مردم این منطقه واحدهای تانک و زرهپوش به آنجا فرستاده‌اند. قباایل پشتو، خواهان آن هستند که باند‌های ضد انقلابی افغانستان که در این منطقه لانه کرده‌اند، از پاکستان اخراج گردند. نیروهای مسلح پاکستان، منطقه گذرگاه خیبر را محاصره کرده و به ۱۶ رئیس قباایل پشتو اخطار کرده‌اند که خود را به رژیم تسلیم نمایند. هنگامی که این خواست مهاجمین برآورده نشد، آن‌ها تخریب مناطق و اماکن مسکونی مردم این ناحیه را آغاز کرده‌اند.

لازم به یادآوری است قباایل این منطقه، به اشرار افغانی اجازه عبور از منطقه خود را نمی‌دهند و از این‌رو، رژیم ضیا الحق درصدد انتقام‌جویی از آنان برآمده است.

حبس ابد

برای دیکتاتور سابق آرژانتین

دادگاه‌عالی آرژانتین دوشنبه گذشته احکام صادره علیه ۹ عضو سابق شورای نظامی دیکتاتوری‌های حاکم بر این کشور را که متهم به نقض خشن حقوق بشر شده بودند، اعلام کرد. ژنرال خورخه ویلار رئیس‌جمهور پیشین و امیلیو ماسرا عضو دیگر خونتای نظامی، به حبس ابد محکوم شدند. یکی دیگر از روسای جمهور پیشین نظامی، ژنرال روبرتو ویلا، به ۱۷ سال زندان محکوم گردید. دو تن دیگر از متهمین به ۴/۵ سال زندان محکوم شدند. آخرین رئیس‌جمهور نظامی، ژنرال لوپولدو گالیتیری و سه ژنرال پیشین دیگر تبرئه گردیدند.

سازمان "مادران میدان‌مایو" که سابقه چندین سال مبارزه علیه خفقان و ترور در آرژانتین را دارد، علیه آزادی چهار ژنرال جنایتکار اعتراض کرد. زنان عضو این سازمان، به علت مبارزه مداوم خود شهرت زیادی دارند. آن‌ها هر هفته در روز و ساعتی معین در میدان مایو، میدان اصلی بوئنوس آیرس گرد هم می‌آیند تا خواستار روشن شدن سرنوشت فرزندان، همسران و برادران خود گردند که در سال‌های دیکتاتوری توسط پلیس مخفی ربوده شده‌اند. شمار این "ناپدیدشدگان" به بیش از ۱ هزار نفر می‌رسد.

اخبار کوتاه

* هفته گذشته، طی یک مراسم رسمی در اسلو، پایتخت نروژ، جایزه صلح نوبل به پروفیسور چاسوف و پروفیسور لاون، دو رئیس "سازمان بین‌المللی پزشکان برای جلوگیری از جنگ هسته‌ای" اعطا گردید. پروفیسور چاسوف همچنین معاون وزیر بهداشت اتحاد شوروی است. قبل از اعطای رسمی جایزه، نیروهای ارتجاعی و احزاب محافظه‌کار، کارزار گسترده‌ای علیه پروفیسور چاسوف و سازمان وی به راه انداختند و حتی هلموت کول صدراعظم آلمان فدرال خواهان تجدید نظر در تصمیم کمیته نوبل شد. بقیه در صفحه ۱۱

بدنبال اعتراضات گسترده افکار عمومی جهان و مبارزات متحد مردم آفریقای جنوبی، ۱۲ تن از رهبران زندانی "جبهه متحد دمکراتیک" که مقامات قضایی رژیم پرتوریا نتوانستند دلایل کافی برای تنظیم کیفرخواست علیه آنان جمع‌آوری کنند، از زندان آزاد شدند.

از جمله آزادشدگان، عبارتند از آرکی کومدی، یکی از دو رهبر جبهه، آلبرتینا سیولو، همسر والتر سیولو، هم‌رزم زندانی نلسون ماندلا و رهبران کنگره ملی آفریقا و افرایش نکوندو، رئیس کمیته "ماندلا را آزاد کنید". همه ۱۲ نفر، اعلام کردند به مبارزه خود برای آزادی کشورشان ادامه خواهند داد.

از سوی دیگر، علیرغم فقدان هرگونه دلیل و مدرک، محاکمه علیه چهار تن از رهبران "اتحادیه کارگری متحد آفریقای جنوبی" (ساوو) ادامه خواهد یافت.

رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی در هفته گذشته نیز مرتکب جنایات جدیدی شد. در معدن طلای "کوک" واقع در ۵۰ کیلومتری جنوب غربی ژوهانسبورگ پلیس با توسل به گلوله‌های ساچمه‌ای و نارنجک‌های گاز اشک‌آور علیه تظاهرات کارگران وارد عمل شد و یک تن از آنان را به ضرب گلوله به قتل رساند. در سوئو، یک مرد سالخورده سیاهپوست هنگامی که می‌کوشید با سربازی بحث کند، مورد حمله این سرباز قرار گرفت و بر اثر ضربه به سرش کشته شد. رژیم آپارتاید بیش از پیش می‌کوشد عوامل

تغافل شب یلدا

شب اول دی، نخستین شب زمستان، شب یلداست. در آستانه این شب، بنا بر یک سنت کهن از دیوان حافظ برایتان تغافل زده ایم:

بر سر آنم که گرز دست برآید
دست بدکاری زلم که غصه سرآید
بگذرد این روزگار تلخ تر از زهر
بار دگر روزگار چون شکر آید
بلبل عاشق! تو عمر خواهی که آخر
بلاغ شود سبز و شاخ گل به برآید
صبر و ظفر، هر دو دوستان قدیمند
بر اثر صبر، ثوبت ظفر آید
صالح و طالع متاع خویش نمودند
تاچه قبول افتد وجه در نظر آید
خلوت دل نیست جای صحبت اشداد
دیو چو بیرون رود، فرشته درآید
بر در آریاب بی مروت دنیا
چند نشینی که خواجه کی به درآید؟
صحبت حکام، ظلمت شب یلداست،
شور زخویشد جوی، بوکه برآید!
غفلت حافظ در این سراج، عجب نیست
هر که به میخانه رفت بی خبر آید

تصحیح و پوزش

متأسفانه در دو شماره گذشته، برخی اشتباهات در تایپ و صفحه بندی مطالب وجود داشته است که با پوزش از خوانندگان بدین وسیله تصحیح می شود.

در شماره ۸۵ "اکثريت":

در صفحه دوم ستون سوم سطر ماقبل آخر "طبقه کارگر خلق" غلط و "طبقه کارگر و خلق" درست است.
در صفحه ششم ستون چهارم اولین سطر خبری که با تیتر "ایتالیا" شروع گردید، "حزب کمونیست ایتالیا - جنوا" بوده که حذف شده است.

در شماره ۸۶ "اکثريت":

در صفحه اول ستون سوم سطر

توضیح

به مناسبت تعطیلات سراسری در آغاز سال نو میلادی، شماره ۸۸ نشریه "اکثريت" بجای دوشنبه دوم دی ماه، در روز دوشنبه نهم دی ماه (۲۰ دسامبر) منتشر خواهد شد.

درس و رفیق توفیق شهباز زادگان

مطمئن و آرام، پیگیر و دلیر

حرکات ارتجاعی و ضد انقلابی ایستادگی کردند.

کار در میان کارگران موجب نمی شد که رفیق توفیق از کار در میان دانشجویان غفلت کند. او در مدرسه عالی کامپیوتر از طریق بخش نشریات و اعلامیه های سازمان فعال بود. بویژه پس از اعتصاب سراسری دانشگاهها در سال ۵۶، که به اخراج تعداد زیادی از دانشجویان مبارز انجامید. این بخش از کار وی از اهمیت بسزایی برخوردار شده بود.

با پیروزی انقلاب و در پیوند مستقیم با سازمان، کوئی رفیق توفیق انرژی و توان بیکرانهای یافته بود. به طور وقفه ناپذیر در راه آماجای طبقه کارگر می رزمید؛ خستگی نمی شناخت؛ کار در میان کارگران در سهای زیادی به او آموخته بود. از همه آنها در سنگر سازمان طراز نوین طبقه کارگر بهره می گرفت. او در میان کارگران چاپ چهره ای محبوب بود. باتمام توان در راه برپایی سازمانهای صنفی کارگران می کوشید. رفیق توفیق و طائف متعددی راهمزمان پیش می برد. و همچون گذشته تلفیق گر توانای وظایف مبارزاتی و کار روزمره و اشکال علنی و مخفی مبارزه بود. او در پیشبرد وظایف بغرنج تکید گاهی اطمینان بخش بود و در سخت ترین شرایط وظایف خطیری را پیش برد.

رفیق توفیق همواره، استوار و بی تزلزل به طبقه کارگر وفادار ماند و رهرو ثابت قدم راه سازمان، راه رهائی کارگران و رنجبران ایران بود.

یادش گرامی باد.

طبقه کارگر ایران، جنبش کمونیستی و سازمان مایکی از رهروان صدیق و ارزشمند خویش را از دست داد. فدایی خلق، رفیق توفیق شهباز زادگان در روز اول مهرماه سال جاری درگذشت. مرگ این رفیق پیگیر و دلیر برای سازمان ما و رفقای که با وی آشنائی داشتند، ضایعه ای تلخ و سنگین است.

رفیق توفیق شهباز زادگان در سال ۱۳۲۵ در یک خانواده کارگری بدنیا آمد. وجود سنتهای ریشه دار مبارزه انقلابی در خانواده، خصوصیات انقلابی بارزی را در وی پرورش داده بود. متانت و پشتکار، آرامش توأم با دلیری، پیگیری در انجام وظایف انقلابی و... از جمله خصوصیات پایداری بود که همواره در تمام دوران مبارزاتش برجستگی خاصی داشت.

رفیق توفیق در سال ۱۳۵۳ وارد مدرسه عالی کامپیوتر شد. وی برای کمک به خانواده در تأمین معاش، از سال ۵۵ در چاپخانه آیندگان شروع به کار کرد. کار شبانه سخت و سنگین بود و همراه تحصیل همه وقتش را می گرفت. با وجود این او می دانست که چگونه باید به وظایف مبارزاتی خود بپردازد. از همان زمان شایستگی و توان خود را در تلفیق درست مبارزه و کار روزمره نشان داده بود. در ارتباط با گروههای مخفی هوادار سازمان به سازماندهی محافل کارگری و افشاکری سیاسی می پرداخت. سطح بالای آگاهی کارگران چاپخانه آیندگان تا حدود بسیاری نتیجه فعالیتهای خستگی ناپذیر رفیق توفیق بود؛ این کارگران در طی انقلاب و نیز پس از پیروزی انقلاب هشیارانه در برابر

برای رهائی مردم ایران

رفقا و دوستان عزیز!

بکوشیم تا در بازدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)، برای کمک به رهائی خلق ایران همه ابتکارات را برای جلب هر چه بیشتر پشتیبانی مالی از سازمان بکار بندیم!

AKSARIYAT
NO. 87

MONDAY DEC 16, 85

Address: آدرس:

RUZBEH

POSTFACH 1810

5100 AACHEN

W. GERMANY

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا!